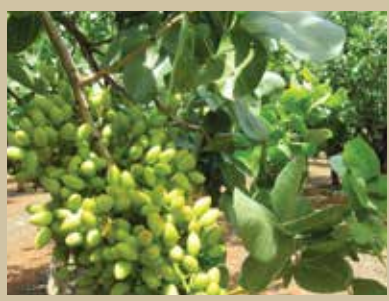


در این شماره می خوانید:



۵

اخبار پسته آمریکا



۹

تأثیر فاجعه کم آبی بر تمدن ایرانی



۱۱

نگاهی به بازار آب در استرالیا



کاسه داغ ترازش در بحران کم آبی در باغات پسته ۱۵

در دهمین جلسه کمیسیون فرآوری مطرح شد

پیش بینی افزایش ۲۴ درصدی هزینه های فرآوری در سال ۹۳

جمع آوری و انبارش است. همچنین کمیسیون فرآوری انجمن پسته ایران فرآوری خشک را شامل فعالیتهای؛ حمل به کارگاه، جداسازی (دهن بست و خندان)، غربال کردن، جداسازی ضایعات، کیسه کردن و انبارش تعریف کرده است. استهلاك ماشین آلات و ساختمان براساس قیمت روز محاسبه شده است.

بدیهی است که انجام هرگونه فعالیت اضافه بر تعاریف فوق بصورت جداگانه بایستی مورد محاسبه قرارگیرد. شایان ذکر است هزینه های فوق صرفا مربوط به واحدهای فرآوری مستقر در استان کرمان می باشد. بر اساس این پیش بینی ها انتظار می رود که هزینه های واحدهای فرآوری مشمول تعاریف این کمیسیون از فرآیند فرآوری پسته تر و خشک به شرح صفحه ۲ می باشد.

ادامه در صفحه ۲

ماهنامه پسته- دهمین جلسه کمیسیون فرآوری انجمن پسته ایران با حضور اکثریت اعضاء در تاریخ ۲۴ تیر ماه سال جاری در محل دفتر کرمان و با هدف جمع بندی و نهایی کردن هزینه های محقق شده فرآوری در سال ۹۲ و پیش بینی هزینه های فرآوری پسته در سال ۹۳ تشکیل شد. بر این اساس هزینه تمام شده فرآوری هر کیلو پسته در سال ۹۳ با افزایش ۲۴ درصدی نسبت به سال گذشته معادل ۵۰۶۷ ریال برآورد شد.

شایان ذکر است پیش بینی هزینه های فرآوری در سال جاری با جمع آوری اطلاعات مربوط به هزینه های محقق شده سال ۹۲ از واحدهای فرآوری منتخب و پس از بحث و بررسی این اطلاعات و اعمال ضرایب افزایش ردیف های هزینه ای، توسط اعضای کمیسیون فرآوری انجمن پسته ایران به تصویب رسید.

طبق تعریف کمیسیون فرآوری انجمن پسته ایران فرآوری تر شامل فعالیتهای؛ پوستگیری، شستشو، جداسازی (محصولات نهایی، جانبی و ضایعات)، خشک کردن،

هشدار اندیشکدهی سیاست خارجی استرالیا در خصوص بحران آب در ایران؛

طرز فکرتان را عوض کنید

بحران آب در ایران به قلم Sinéad Lehane منتشر کرده است. Sinéad Lehane محقق و تحلیل گر برنامه تحقیقاتی بحران جهانی آب و غذا است. در این گزارش آمده است:

ادامه در صفحه ۶

ماهنامه پسته - ۲۴ فوریه ۲۰۱۴ موسسه بین المللی مسیر آینده (Future Directions International) با هدف تحلیل استراتژیک مستقل از منافع جهانی استرالیا (Independent Strategic Analysis of Australia's Global Interests) گزارشی از وضعیت

پیش بینی افزایش ۲۴ درصدی هزینه های فرآوری در سال ۹۳

پیش بینی سال ۹۳			جمع بندی هزینه های سال ۹۲			نوع فرآوری
هزینه (ریال / کیلوگرم)	درصد از کل	درصد افزایش هزینه ها نسبت به سال ۹۲	هزینه (ریال / کیلوگرم)	درصد از کل	عنوان هزینه	
۷۰۹	۲۳,۳	۲۵	۵۶۷	۲۳,۶	حقوق و بیمه	فرآوری تر
۱۶۷	۵,۵	۳۰	۱۲۸	۵,۳	سایر مخارج کارگری	
۲۱	۳,۶	۳۰	۱۶	۰,۷	کرایه تراکتور نخاله بر	
۱۱۱	۳,۶	۲۴	۸۹	۳,۷	برق	
۳۰	۱,۰	۳۰	۲۳	۱,۰	آب	
۱۸۹	۶,۲	۴۳	۱۳۲	۵,۵	سوخت	
۱۲۲	۴,۰	۳۰	۹۴	۳,۹	تعمیر و نگهداری ماشین آلات	
۶۴	۲,۱	۳۰	۴۹	۲,۰	تعمیر و نگهداری ساختمان	
۱۴۱۳	۴۶,۴	۲۹	۱۰۹۹	۴۵,۷	مجموع هزینه های جاری	
۲۳۲	۷,۶	۲۵	۱۸۶	۷,۷	استهلاک ساختمان	
۱۴۰۰	۴۶,۰	۲۵	۱۱۲۰	۴۶,۶	استهلاک ماشین آلات	
۳۰۴۵	۱۰۰,۰	۲۷	۲۴۰۵	۱۰۰,۰	جمع کل هزینه های فرآوری تر	

پیش بینی سال ۹۳			جمع بندی هزینه های سال ۹۲			نوع فرآوری
هزینه (ریال / کیلوگرم)	درصد از کل	درصد افزایش هزینه ها نسبت به سال ۹۲	هزینه (ریال / کیلوگرم)	درصد از کل	عنوان هزینه	
۱۰۳۱	۵۱,۰	۲۵	۸۲۵	۴۹,۲	حقوق و بیمه کارگری	فرآوری خشک
۱۴۷	۷,۳	۳۰	۱۱۳	۶,۸	سایر مخارج کارگری	
۱۴۶	۷,۲	۲۵	۱۱۷	۷,۰	برق و آب و تلفن	
۰	۰,۰	۰	۵۲	۳,۱	بیمه آتش سوزی و سرقت	
۳۰	۱,۵	۲	۲۹	۱,۷	تعمیر و نگهداری ماشین آلات	
۱۵	۰,۷	۲	۱۴	۰,۹	تعمیر و نگهداری ساختمان	
۲۰۱	۹,۹	۴	۱۹۳	۱۱,۵	سایر جاری	
۱۶۷۲	۸۲,۷	۲۶	۱۳۲۷	۷۹,۱	مجموع هزینه های جاری	
۳۵۰	۱۷,۳	۰	۳۵۰	۲۰,۹	استهلاک ساختمان	
					استهلاک ماشین آلات	
۲۰۲۲	۱۰۰,۰	۲۱	۱۶۷۷	۱۰۰,۰	جمع کل هزینه های فرآوری خشک	

درصد افزایش هزینه ها نسبت به سال ۹۲	پیش بینی سال ۹۳		جمع بندی هزینه های سال ۹۲		عنوان هزینه
	هزینه (ریال / کیلوگرم)	درصد	هزینه (ریال / کیلوگرم)	درصد	
۲۷	۳۰۴۵	۱۰۰,۰	۲۴۰۵	۱۰۰,۰	جمع کل هزینه های فرآوری تر
۲۱	۲۰۲۲	۱۰۰,۰	۱۶۷۷	۱۰۰,۰	جمع کل هزینه های فرآوری خشک
۲۴	۵۰۶۷	۱۰۰,۰	۴۰۸۲	۱۰۰,۰	جمع کل هزینه های فرآوری تر و خشک

شرایط اخذ مالیات حق العمل کاران اعلام می شود

ماهانامه پسته - در پی پیگیری های مشترک اتاق کرمان و انجمن پسته ایران در خصوص اعمال تعرفه مالیاتی حق العمل کاری جهت خرید و فروش داخلی پسته، اول مردادماه سال جاری، محمود سلطانی رییس کمیسیون نظارت استان نامه ای به شماره ۹۳/۱۹۱۹۴ خطاب به محسن جلال پور رییس هیات مدیره انجمن و رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان به شرح زیر نوشت:

جناب آقای جلال پور

رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

موضوع: وضعیت مالیاتی حق العمل کاران پسته

با سلام و تحیات، احتراماً عطف به نامه شماره ۱۰۸/۶۴۲ مورخ ۹۳/۰۴/۱۰ آن اتاق مبنی بر وضعیت مالیاتی حق العمل کاران پسته به اطلاع می رساند موضوع در جلسه مورخ ۹۳/۰۴/۲۴ کمیسیون نظارت مرکز استان مطرح و به استناد بند (۳) صورتجلسه مذکور مقرر گردید رسته ای با کد ایسیک (۵۱۱۰۱۳) زیرمجموعه اتحادیه صنف خشکبار و آجیل فروش ایجاد گردد، همچنین این اداره کل امور مالیاتی شرایط اخذ مالیات حق العمل کاران را به متقاضیان دریافت پروانه کسب در رسته فوق الذکر تفهیم و اطلاع رسانی نمایند.

محمود سلطانی

رییس کمیسیون نظارت استان

بروز آفت «پوست خوار» در باغات پسته بردسکن

اول دنیا را به خودش اختصاص داده است و ما باید طوری مدیریت کنیم که با بحران آب مواجه نشویم.

منبع: ایسنا- ۹۳/۴/۲۳

آباد خبرداد و افزود: متأسفانه این آفت از استان کرمان وارد این شهرستان ها شد و من نگران این هستم که این آفت به باغات پسته فیض آباد نیز سرایت کند. ساریان بزرگترین دغدغه بخش کشاورزی را آب عنوان کرد و گفت: متأسفانه آمریکا با ۸۱ هزار هکتار باغات پسته مقام

معاون سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی از بروز آفت پوست خوار در باغات پسته بردسکن و خلیل آباد خبر داد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) غلامحسین ساریان در همایش فرآوری استاندارد پسته از بروز آفت پوست خوار در باغات پسته بردسکن و خلیل

رئیس منابع طبیعی شهرستان خدابنده خدابنده مستعد پسته کاری است

با بیان اینکه حاشیه رودخانه قزل اوزن برای کشت پسته در شهرستان خدابنده بسیار مستعد است، اعلام کرد: آمادگی حمایت از علاقه مندان به پسته کاری در این شهرستان را داریم و در حد امکان زمین مناسب در اختیار آنها قرار می دهیم.

منبع: فارس- ۹۳/۴/۲۳

اصغری با اشاره به پسته کاری در شهرستان خدابنده خاطرنشان کرد: این شهرستان برای پسته کاری بسیار مستعد است و طرح های پسته کاری در این منطقه جواب می دهد. وی با اشاره به سطح پسته کاری شده در شهرستان خدابنده عنوان کرد: در حال حاضر حدود پنج هکتار پسته کاری در این شهرستان صورت گرفته است. اصغری

رئیس منابع طبیعی شهرستان خدابنده گفت: شهرستان خدابنده بسیار مستعد برای پسته کاری است. محسن اصغری امروز در گفت و گو با خبرنگار فارس در زنجان اظهار داشت: در راستای ارتقای دانش بهره برداران در حوزه منابع طبیعی اقدامات مناسبی در شهرستان خدابنده صورت گرفته است.

دستاورد دیگری از محققان ایرانی؛

ساخت نانوکامپوزیت چوب - پلاستیک با استفاده از پوست پسته

آمریکا همیشه در جایگاه برتر تولید پسته جهان قرار دارند و هر ساله هزاران تن پسته در این دو کشور تولید و صادر می شود. بنابراین دسترسی به پوست پسته به عنوان ضایعات کشاورزی در داخل کشور بسیار آسان است.

منبع: ایرنا- ۹۳/۴/۱۶

پژوهش های گسترده ای در زمینه بهبود ویژگی های آنها در دست اجرا است و در این میان استفاده از ضایعات کشاورزی به عنوان پرکننده در تهیه کامپوزیت چوب- پلاستیک از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مهندس محمد علی عابدینی، کارشناس ارشد پلیمر از دانشگاه صنعتی اصفهان، دلیل انتخاب پودر پوست پسته به عنوان پرکننده را اینگونه بیان کرد: ایران و

ایرنا، محققان دانشگاه صنعتی اصفهان در طرحی تحقیقاتی با استفاده از پوست پسته، نانوکامپوزیتی ساخته اند که به دلیل استحکام کششی زیاد و مقاومت در مقابل رطوبت، رنگ باختگی و انواع قارچ ها و حشرات، قابلیت کاربرد در صنعت ساختمان سازی دارد. به گزارش گروه علمی ایرنا، با توجه به رشد روزافزون مصرف کامپوزیت های چوب - پلاستیک،

سازمان جهانی گپ منعکس کننده مطالبات مصرف‌کنندگان؛

دغدغه‌های سازمان جهانی گپ در خصوص مصرف سموم

مواد غذایی به بحث و اشتراک گذاشته می‌شود. دوازدهمین همایش سازمان جهانی گپ امسال به مدت ۳ روز از ۵ تا ۷ آبان ماه ۱۳۹۳ (۲۹-۲۷ اکتبر ۲۰۱۴) در ابوظبی پایتخت امارات متحده عربی برگزار خواهد شد و شامل بخش‌های ارائه مطالب و میزگردهای مختلف خواهد بود. مواردی که به گفته سازمان جهانی گپ لازم است تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در خصوص استفاده از سموم رعایت کنند عبارتند از:

- یک لیست به روز شده از سمومی که مصرف آن‌ها برای محصول کشاورزی مورد نظر از سوی دولت مجاز هستند، توسط کشاورز تهیه شود.
- سموم باید بر اساس دستورالعمل ذکر شده روی برچسب آنها، مورد استفاده قرار بگیرند.
- فاکتور خرید این مواد باید در دسترس باشد.
- کلیه موارد استفاده از سموم باید ثبت شوند. این موارد شامل: نام گیاه و نام رقم، محل مورد استفاده، تاریخ استفاده، نام تجاری محصول و نام ماده فعال آن، نام شخص یا شرکتی که از سم پاش برای کاربرد این مواد استفاده می‌کند، دلیل استفاده از سم، توصیه فنی برای استفاده، مقدار سم به کار رفته، نوع سم پاش، روش سم پاشی و مستندات رعایت فاصله زمانی سم پاشی قبل از برداشت، هستند.

منبع:

www.globalgap.org/uk_en

معیارهای مختلف شوند. در طی ۱۰ سال بعد از تاسیس این سازمان، روند استفاده از گواهینامه یوروپ گپ در سرتاسر قاره اروپا و فراتر از آن گسترش یافت. با توجه به روند جهانی شدن، تعداد زیادی از تولیدکنندگان و فروشگاه‌های زنجیره‌ای مواد غذایی در سرتاسر جهان به این سازمان پیوستند و بر اهمیت این سازمان اروپایی، در سطح جهانی افزودند. نام این سازمان در سال ۲۰۰۷ به منظور انعکاس اهمیت جهانی این سازمان و تبدیل شدن به استاندارد بین‌المللی گپ، از یوروپ گپ به گلوبال گپ تغییر نمود. در حال حاضر این سازمان پیشگام تضمین عملکرد بهینه فرایند های تولید محصولات کشاورزی در جهان است و مشغول انتقال خواسته های مصرف کنندگان مواد غذایی به تولیدکنندگان، جهت بهبود فرایندهای تولید محصولات کشاورزی می باشد که در بیش از ۱۰۰ کشور جهان به سرعت در حال رشد است.

اجلاس جهانی گپ در سال ۲۰۱۴

نشست جهانی گپ با حضور مدیران، کارشناسان و متخصصان امنیت غذایی پیشگام جهان برگزار خواهد شد. خاطر نشان می‌شود تمام بخش‌های تولیدات و سرویس‌های صنایع غذایی دولتی و خصوصی، جهانی و محلی، کوچک و بزرگ در این نشست حضور دارند. در این همایش آخرین دستاوردها در خصوص فعالیت‌های بهینه کشاورزی و ابزی پروری با تمرکز به آینده صنعت

ماهنامه پسته - سازمان جهانی گپ (GLOBALG.A.P.) با نام یوروپ گپ (EUREPGAP) در سال ۱۹۹۷ شروع به کار کرد. ایده اولیه تشکیل این سازمان توسط خرده فروشان متعلق به گروه (Euro-Retailer Produce Working Group) بود که این گروه شامل خرده فروشان بریتانیایی بود که با سوپرمارکت‌ها در قاره اروپا همکاری داشتند. این مشکل در پی اطلاع خرده فروشان از افزایش سطح نگرانی مصرف کنندگان در خصوص امنیت غذایی محصولات، اثرات زیست محیطی و سلامتی، رفاه و امنیت کارگران و حیوانات شکل گرفت. راه حل آن‌ها این بود که روش‌های کاری و استانداردهای محصولات خود را یکپارچه کنند و یک سیستم صدور گواهینامه مستقل از دولت، برای روش‌های عملکرد بهینه کشاورزی (Good Agricultural Practice/G.A.P.) ایجاد کنند.

استانداردهای یوروپ گپ به تولیدکنندگان مواد غذایی کمک کرد تا معیارهای پذیرفته شده در سطح اروپا شامل امنیت غذایی، روش‌های پایدار تولید، رفاه و آسایش کارگران و حیوانات، استفاده مسئولانه از منابع آبی، روش‌های تولید خوراک دام و تکثیر گیاهان را رعایت کنند. نتیجه استفاده گسترده از گواهی یکپارچه شده یوروپ گپ، صرفه جویی در هزینه تولید برای تولیدکنندگان مواد غذایی است، تا لازم نباشد که هرساله متحمل هزینه‌ها و چالش‌های ممیزی سوپرمارکت‌ها با

بیشترین اخطار اروپا به آمریکا و سوریه

ماه‌های اکتبر و آگوست ۲۰۱۳ رخ داده است. در این گزارش عنوان شده است که پسته آمریکا به علت وجود آفلاتوکسین و قارچ ها، ۱۰ بار توسط سیستم هشدار دهنده اخطار دریافت کرده است. از بین کشورهای اخطار دهنده، کشورهای هلند و ایتالیا هر یک با دو مرتبه اخطار، بیشترین هشدار را به پسته آمریکا در طی این مدت داده اند. کشورهای انگلستان، اسلواکی، لهستان، فرانسه، لوکزامبورگ و آلمان نیز هر کدام یک مرتبه در طی این مدت به پسته آمریکا به علت آلودگی به آفلاتوکسین و قارچ‌ها اخطار داده‌اند. نکته حائز اهمیت در ذیل این گزارش، گویای این مطلب است که کمیسیون اروپا در راه اندازی سیستم هشدار سریع برای خوراک انسان و دام در اروپا (RASFF)، توسط دولت انگلستان نقشی ندارد و هدف کشور انگلستان از راه اندازی این سیستم این است که امکان بالقوه هر گونه تغییری برای تقویت کنترل مواد خوراکی را به کمیسیون اروپا نشان دهد. هر چند که کمیسیون اروپا در حال حاضر از سیستم ارزیابی خود استفاده می‌کند.

ماهنامه پسته - براساس سیستم هشدار دهنده سلامت محصولات غذایی انگلستان، پسته آمریکا و سوریه بین ماه‌های ژوئن ۲۰۱۳ و می ۲۰۱۴ بیشترین اخطارها را از سیستم هشدار سریع خوراک انسان و دام در اروپا (RASFF) دریافت نموده‌اند. به گزارش فروکام، آژانس استاندارد مواد غذایی انگلستان یک سیستم اولیه هشدار دهنده برای خطرات مشخص و محصولات کشورهای ثالث مشخص، راه اندازی کرده است. این سیستم بر اساس اخطارهای گزارش شده توسط سیستم هشدار سریع خوراک انسان و دام در اروپا (RASFF) کار می‌کند. براساس این گزارش، وجود آفلاتوکسین در پسته سوریه باعث شد که این محصول ۵ مرتبه در ماه‌های آگوست ۲۰۱۳ لغایت جولای ۲۰۱۴ از سوی سیستم هشدار سریع خوراک انسان و دام در اروپا، اخطار دریافت کند. از مجموع ۵ هشدار، ۳ مرتبه مربوط به کشور ایتالیا بوده که در ماه‌های جون، فوریه و می ۲۰۱۴ به وقوع پیوسته و ۲ مرتبه مربوط به کشور اسپانیا بوده که در

تغییر مقررات تجارت محصولات کشاورزی اتحادیه اروپا با ایران

ماهنامه پسته - در پی مذاکرات ایران با کشورهای ۵+۱، مقررات موقت جدید اتحادیه اروپا در خصوص تجارت مواد غذایی و محصولات کشاورزی با ایران از تاریخ ۲۱ جولای تا ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ در حال اجرا است. مقررات جدید به شرح ذیل است: نقل و انتقالات مالی ناشی از معاملات مواد خوراکی، دارویی، تجهیزات پزشکی و مرتبط با صنعت کشاورزی، تا سقف ۱ میلیون یورو و نقل و انتقالات مالی مربوط به اشخاص حقیقی تا سقف ۴۰۰ هزار یورو، بدون هیچ اجازه قبلی از مسوولان ذی‌ربط کشورهای اتحادیه اروپا صورت خواهند گرفت. البته اگر میزان معاملات از ۱۰ هزار یورو بیشتر باشد، نقل و انتقال به مسوولان ذی‌ربط کشور مربوطه اعلام خواهد شد. در صورتی که نقل و انتقالات مذکور بیشتر از سقف تعیین شده باشد، علاوه بر اینکه دریافت مجوز از مسوول کشور مربوطه عضو اتحادیه اروپا لازم است، این کشور باید سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا را نیز از مجوز اعطا شده، مطلع کند. در صورت عدم اعطای مجوز، عدم موافقت کشور مذکور به اطلاع سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌رسد.

باغداران کالیفرنیا به محصولی بیش از ۲۲۷ هزار تن چشم دوخته‌اند

شکست ولی سوال این است که به چه میزان؟ فانوچی اشاره می‌کند: صرف نظر از اینکه امسال باغداران چقدر محصول برداشت می‌کنند، تعداد باغدارانی که باید دو بار برداشت کنند در حال افزایش یافتن است و بدون در نظر گرفتن استثنائات، این عمل دارد به یک هنجار تبدیل می‌شود.

او می‌گوید: امسال سال خوبی برای ۲ بار برداشت است. با توجه به بهای کم‌تری که بابت پسته‌های آفت زده برداشت می‌شود و قیمت بالاتر پسته‌های بدون آفت، انتظار می‌رود اکثر محصول امسال زودتر برداشت شود. برداشت مرتبه دوم در فاصله دو هفته پس از برداشت اول انجام می‌شود. به این ترتیب احتمال آفت‌زدگی و خراب شدن دانه‌های زودرس کاهش می‌یابد. در غیر این صورت در صورت انتظار برای رسیدن دانه‌های دیررس، تعدادی از دانه‌های زودرس، روی درخت خراب می‌شوند. در عین حال وی اضافه می‌کند: قیمت‌های بی‌سابقه بالای پسته، باعث خرسندی باغداران آمریکا شده و علیرغم خشکسالی، افزایش قیمت پسته باعث افزایش تقاضا برای زمین و باغ ریزی‌های جدید شده است اما هم اکنون گسترش سطح زیر کشت پسته در سایه مسائل کم آبی به سر می‌برد.

فانوچی می‌گوید: سطح آب سفره‌های زیرزمینی در نواحی پسته خیز دره سان جواکین به سرعت در حال کاهش است. کیفیت آب زیرزمینی در بسیاری از مناطق کشاورزی در حال تنزل است و کیفیت پایین آب برای تولید بادام، گیلاس و سایر محصولات مناسب نیست، ولی برای پسته این کیفیت آب قابل تحمل است!

منبع:

<http://westernfarmpress.com/tree-nuts/nuts-continue-fill-veteran-grower-looks-500-million-pound-plus-pistachio-crop>

قهوه‌ای رنگ به وجود می‌آید. بعد از سخت شدن پوست استخوانی پسته، ایجاد ضایعه روی پوست نرم بیرونی در محل فرو کردن خرطومک این حشرات که به صورت یک قطره صمغ می‌باشد، نشانه تغذیه گروه سن‌ها است. تغذیه کردن سن از داخل دانه باعث تیره شدن بخشی از مغز می‌شود و اغلب یک ناحیه‌ی نکروزه (از لحاظ ظاهری قهوه‌ای رنگ و دارای بافت مرده) فرورفته که بد مزه است را بوجود می‌آورد.

همان‌گونه که در وبسایت مدیریت تلفیقی آفات دانشگاه کالیفرنیا توضیح داده شده است، سن‌های پابریگی باعث خسارت در همه دانه‌های خوشه‌ها می‌شود اما سن‌ها می‌توانند باعث انتقال بعضی از بیماری‌های پسته از قبیل استیگماتوما میکوزیس و سوختگی خوشه و شاخه شود (تصویر ۱).



تصویر ۱ - تیره و لایح شدگی مغز پسته به دلیل بیماری قارچی استیگماتوما میکوزیس ناشی از تغذیه سن

فانوچی می‌گوید: حدس من این است که در اوایل ماه جولای (نیمه تیرماه) ما رکورد ۲۲۷ هزار تن را خواهیم

ماهانماه پسته - کارل فانوچی مدیر شرکت چندمنظوره فانوچی در بیکرزفیلد کالیفرنیا گزارش می‌دهد: در اوایل ماه جولای (۱۰ تیرماه) مغز رفتن دانه‌های پسته در باغات جنوبی در سان جواکین به خوبی در حال انجام شدن بود. محصول پسته در این ناحیه مانند انگور و بادام ۱۰ تا ۱۴ روز زودتر از معمول در حال رسیدن هستند. باب بیدی مشاور بازنشسته بخش ترویج دانشگاه کالیفرنیا خاطر نشان می‌کند: در واقع مغز پرکردن در ۱۵ ژوئن (۲۴ تیرماه) آغاز شد.

او می‌گوید: شروع مغز پر کردن از محلی به محل دیگر، به شدت متفاوت است. بیدی می‌گوید: به دلیل دماهای بالا در ماه ژانویه (دی - بهمن) که تعداد ساعات سرمایی (دماهای زیر ۷ درجه سانتی‌گراد) در بعضی از مناطق را کاهش داد، نیاز بود که درختان از خواب بیدار شوند و رشد معمولی درختان فراهم شود. محققان دانشگاه کالیفرنیا تخمین می‌زنند که آستانه تامین نیاز سرمایی برای درختان ماده رقم کرمان ۷۵۰ ساعت و برای درختان نر پیترز بیش از ۸۵۰ ساعت است.

وی افزود: درختان در کف دره برای جوانه‌زنی از میزان سرمای کافی برخوردار بودند، در حالی که باغاتی که در ارتفاعات بالاتر قرار داشتند، در جوانه‌زنی دچار تاخیر شدند.

فانوچی می‌گوید: به نظر نمی‌رسد امسال، عدم تامین نیاز سرمایی در کالیفرنیا باعث افزایش غیرمعمول درصد پوکی شود.

وی توصیه می‌کند که همچنان به پایش سن‌ها، سن‌های پابریگی و سنک‌ها ادامه داده شود. یافتن این حشرات در اوائل فصل راحت‌تر است. ولی بعد از سخت شدن پوست استخوانی پسته، پیدا کردن سه آفت مذکور دشوارتر می‌شود. در اوائل فصل وقتی که پوست استخوانی پسته نرم است در محل تغذیه این حشرات لکه‌های

لوئیز فرگوسن در راه استرالیا

هستند و کسانی که به تازگی وارد این شغل می‌شوند خواستار حمایت فنی برای باغبانی و فعالیت‌های مربوط به کسب و کار پسته هستند.

کریس جویس رییس کمیته تحقیق و توسعه پسته استرالیا در این راستا اذعان کرد: "صنعت پسته استرالیا با هدف ارائه اطلاعات علمی و فنی به باغداران، برای سرمایه‌گذاری در تشکیل گروه فناوری اطلاعات پسته موافقت کرده است. وی افزود: هم اکنون این گروه در سه منطقه‌ی مهم پسته خیز استرالیا که توسط لوئیز فرگوسن مورد بازدید خواهد گرفت، در حال تشکیل شدن است.

منبع:

<http://www.freshplaza.com/article/124902/International-extension-specialist-tours-Australia>

صنعت پسته استرالیا محسوب می‌شود و او بیش از چندین سال در توسعه و مدیریت باغات مناطق پسته خیز استرالیا نقش داشته است. کریس لی افزود: آمدن لوئیز فرگوسن به استرالیا برای بازدید از باغات، ملاقات با محققان و صنعت پسته و دادن اطلاعات وسیع در خصوص پسته به کشاورزان فرصت بسیار خوبی است. در ضمن اعتبار مالی مورد نیاز برای برگزاری این بازدید از طریق حمایت‌های داوطلبانه‌ی صنعت پسته و بودجه تخصیصی توسط دولت استرالیا تامین شده است.

لوئیز فرگوسن مرجعی مهم برای محققان محلی و نمایندگان صنعت پسته استرالیا بوده است و با ارائه راه حل‌های عملی به مقابله با چالش‌های توسعه پسته پرداخته است. باغداران در استرالیا به دنبال کسب اطلاعات بیشتری برای بهبود عملکرد و کیفیت درختان

ماهانماه پسته - لوئیز فرگوسن متخصص بخش ترویج کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا برای بازدید از سه منطقه‌ی مهم پسته خیز استرالیا دعوت شده است. این بازدید به مدت سه روز از تاریخ ۱۲ تا ۱۴ آگوست ۲۰۱۴ (۲۱، ۲۲ و ۲۳ مردادماه ۱۳۹۳) در مناطق سوان هیل، میدلورا و ریورلند و به دعوت صنعت پسته استرالیا ترتیب داده شده است. به گزارش خبرگزاری فرش پلازا، با توسعه‌ی صنعت پسته در استرالیا نیاز مبرمی به ایجاد دانش فنی در این صنعت احساس می‌شود. در این راستا انجمن پسته‌کاران استرالیا به منظور تقویت پایه‌های علمی اعضای خود همت گمارده است و به عقیده دست اندرکاران این انجمن، انتقال فن آوری، یک بخش ضروری این طرح است. رییس انجمن پسته کاران استرالیا در این خصوص گفت: لوئیز فرگوسن مرجع با ارزشی برای

هشدار اندیشکده‌ی سیاست خارجی استرالیا در خصوص بحران آب در ایران؛

طرز فکرتان را عوض کنید

به دلیل سوء مدیریت مستمر دولت و فقدان برنامه، دستیابی به امنیت آبی در ایران مستلزم اصلاحات قابل توجه سیاست‌گذاری و حاکمیت قوی است

هر جامعه در قبال قنات خود مسوول بود و سیستم قنات‌داری، مشوق استفاده‌ی عادلانه و پایدار از آب، برای اطمینان از دسترسی مستمر به آب بود. میزان آبی که از قنات برداشت می‌شد هرگز بیش‌تر از میزان تجدید شونده‌ی سالانه منابع آب زیرزمینی نبود.

ایران در یکی از خشک‌ترین نقاط جهان واقع شده است و میانگین بارندگی سالیانه‌ی آن با ۲۵۲ میلی‌متر، تقریباً یک سوم متوسط بارندگی جهانی است. تقریباً ۷۰ درصد از این میزان تبخیر می‌شود و کمبود آب را تشدید می‌کند.

تخمین‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۳ میزان بارندگی کم‌تر از متوسط بارندگی سالیانه باعث شده که ۳۰ درصد از حجم آب سدهای کشور کاهش یابد، تا جایی که فقط ۵ سد، بالای ۹۰ درصد ظرفیت‌شان آب دارند. طبق گفته‌ی موسسه تحقیقاتی جنگل و مرتع، سطح آب‌های زیرزمینی در سال‌های اخیر در ۷۰ دشت به اندازه ۲ متر افت کرده است که روی ۱۰۰ میلیون هکتار زمین تأثیر می‌گذارد.

ایران با بحران آب بسیار جدی و مستمر مواجه است.

مدیریت مدرن آب

به دنبال انقلاب سفید و انقلاب اسلامی در ایران تأمین آب از شکل همگانی به مدیریت دولتی (متمرکز) منتقل شد.

مسائل جدید آب به دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ میلادی برمی‌گردد. سیاست‌های آبی در ایران در طول این دوره، بر کنترل و تأمین آب، با ایجاد زیرساخت‌های تکنولوژی محور به جای مدیریت سنتی و توزیع همگانی تمرکز داشت. با این تغییرات بدون توجه به نگرانی‌های زیست محیطی و مدیریت پایدار آب، صدها سد، ساخته شد. انحراف رودها و رودخانه‌ها از یک حوضه‌ی آبریز به حوضه‌ی آبریز دیگر، متداول و معمول شد و چاه‌های زیادی برای دسترسی به آب زیرزمینی، حفر شد. در شهرها، تصور این‌که آب زیاد است، مردم را به استفاده‌ی بی‌رویه تشویق می‌کرد.

با آب‌های سطحی در ایران به عنوان اموال عمومی رفتار می‌شود، اما مجوز براساس اولویت داده می‌شود. این اولویت توسط مسوولان آب منطقه‌ای تعیین و براساس آن، آب تخصیص داده می‌شود. حق مالکیت زمین است که تعیین کننده‌ی حقایق آب‌های زیرزمینی است و صاحبان زمین آزادند که آب را از چاه خود استخراج کنند، البته پس از آن‌که از دولت مجوز گرفتند. حد معین آب قابل استخراج، از طریق مجوز رسمی تعیین و به صاحبان زمین اعلام می‌شود.

از کنتور حجمی برای سنجش میزان آب برداشته شده از سفره‌ی آبی، یا استفاده نمی‌شود، یا به ندرت استفاده می‌شود. در نتیجه حد مجاز معین شده برای برداشت از سفره‌ها رعایت نمی‌شود. استخراج از منابع آبی زیرزمینی در ایران به ۵۰ درصد کاهش آب در دسترس در این منابع منجر شده است و مضاف بر آن مشکلات، به پایین رفتن سطح سفره آبی و مخصوصاً نمکی‌تر شدن آن، منجر شده است.

براساس گزارش سازمان "برنامه‌ریزی پیشرفت و توسعه ملل متحد (UNDP)" تخمین زده می‌شود سرانه منابع آبی ایران از ۲۰۲۵ متر مکعب در سال ۱۹۹۰ به ۸۱۶ متر مکعب در سال ۲۰۲۵ کاهش یابد.

ایران به ۶ حوضه آبریز کلیدی و ۳۱ حوضه‌ی درجه دو تقسیم می‌شود. حوضه‌های آبی کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان، و همه‌ی حوضه‌های داخلی ایران در جایی قرار گرفته‌اند که منابع آب شیرین تجدید شونده محدود شده‌است. نزدیک به نیمی از منابع آب تجدید شونده در حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان قرار گرفته‌اند که یک چهارم پهنه‌ی کشور را تشکیل می‌دهد. در مقابل حوضه‌ی آبریز مرکزی که بیش از نیمی از پهنه‌ی کشور را پوشش می‌دهد؛ کم‌تر از یک سوم آب شیرین در دسترس را در خود جای داده است.

بیش از ۸۴ درصد ایران خشک و نیمه خشک است، بیش از ۵۰ درصد کشور هم بیابان و کوه است و ۱۶ درصد پهنه‌ی کشور در ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا است. رودخانه‌ها فصلی‌اند، در طول بهار باعث سیلاب و در طول تابستان خشک می‌شوند و برای کسانی که به آب‌های سطحی متکی‌اند، باعث تغییرات معناداری در میزان دسترسی به آب شیرین می‌شوند.

بخاطر تبخیر زیاد آب سطحی، ایرانیان برای قرن‌ها از روش‌های سنتی برای انتقال و دسترسی برای تأمین منابع آب شیرین استفاده می‌کردند. بیش از دو هزار سال است که قنات برای انتقال آب‌های زیرزمینی بدون بهره‌گیری از ابزار پمپاژ آب، طراحی شده و همچنان استفاده می‌شود. فارغ از این‌که قنات یک شاهکار مهندسی چشم‌گیر است، قنات به عنوان یک نظام مدیریتی سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شد. در حالی که ساخت و نگهداری قنات یک فعالیت همگانی بود و حقایق براساس میزان همکاری مالی و نقش اجرایی در احداث قنات و نوع مصرف تخصیص داده می‌شد.

سیاست‌های حکومتی آب و برنامه‌های اقتصادی سیاست‌های اقتصادی متمرکز بر تغییر مالکیت زمین و توسعه‌ی اقتصادی در مناطق بیابانی همراه با قیمت‌گذاری آب در ۵۰ سال گذشته، کمبود آب در ایران را به نهایت وخامت رسانده است. انتقال مالکیت زمین از مالکین بزرگ به زارعین، بعد از انقلاب اسلامی باعث دگرگونی در ساختار کشاورزی ایران شد. سیستم‌های آبیاری مصنوعی، بیش‌تر از ظرفیت استحصال سیستم‌های تأمین آب سنتی (قنات‌ها)، به سرعت گسترش یافتند و کشت و کار شدت یافت که به استفاده‌ی بیش‌تر از کودها و سموم شیمیایی منجر شد. در سراسر ایران در مناطقی که آبیاری مصنوعی انجام می‌شود، بهره‌برداران چاه‌های کشاورزی، باعث افت قابل توجه سطح سفره‌ی آبی و رقابتی شدن حفر چاه‌های عمیق‌تر شده‌اند.

سیستم اولویت‌بندی مجوز برداشت از آب‌های سطحی، اولویت اول را به بهره‌برداران شهری و خانگی، بعد استفاده‌کنندگان تجاری و در مرحله بعد به ترتیب صنایع و کشاورزی و نهایتاً محیط زیست می‌دهد. در برداشت آب، بهره‌برداران بالادستی نسبت به بهره‌برداران پایین دستی، اولویت دارند که نتیجتاً آب کمی برای تولیدکنندگان مواد غذایی پایین دست در زمان خشکسالی باقی می‌ماند.

در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، ایران خشکسالی جدی را تجربه کرد که در نتیجه ۵۰ روستا در استان کرمان، به دلیل کمبود آب، رسماً تخلیه شدند. جابجایی‌های داخلی اجباری در دهه‌های آینده، در صورت خشکسالی مستمر، افزایش پیدا می‌کند. شدیدتر شدن کم‌آبی و اثرات تغییرات آب‌وهوایی، این موقعیت بحرانی را وخیم‌تر می‌کند. یکی از دلایل اصلی تحلیل رفتن منابع آبی ایران، حفر چاه‌ها و برداشت از سفره‌های آبی است. اسکندر فیروز فعال محیط زیست اعتقاد دارد رشد جمعیت ایران و توسعه‌ی بخش کشاورزی منجر به برداشت تجدیدنپذیر از حوضه‌های آبی شده است.

بالغ بر پانصد هزار چاه در حال بهره‌برداری از منابع آبی در ایران است که بسیاری بدون مجوز، فعال هستند. حمید چیت‌چیان وزیر نیروی ایران تخمین می‌زند در سال‌های اخیر حداقل ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب از

حوضه‌های آبی برداشت شده که منجر به نمکی شدن آب چاه‌های کشاورزی و کاهش آب زیرزمینی در دسترس شده است. قیمت‌گذاری آب همچنین نقش مهمی در شرایط آبی ایران ایفا می‌کند. استفاده از آب زیرزمینی بدون پرداخت هیچ هزینه رسمی برای آبیاری، برای همه رایگان است. سوسیدهای فراوان دولت، قیمت انرژی را به طور قابل توجهی کاهش داده است. بدان معنا که برداشت ارزان آب، سوء استفاده از آب را تشویق کرده است. به گزارش موسسه صلح آمریکا، ایران سالیانه ۴ میلیارد مترمکعب آب زیرزمینی را استخراج می‌کند که جایگزین نمی‌شود. از زمان تنفیذ ریاست جمهوری در اواخر سال ۲۰۱۳، رییس جمهور روحانی مکرراً نیاز ایران، برای پاسخ به بحران آب را تأکید کرده و هشدار داده است که کشور با یک مساله حساس امنیت ملی روبروست. سال‌ها سوء مدیریت دولتی و فقدان برنامه‌ریزی درازمدت باعث وضعیت فعلی در تقویت منابع آبی ایران شده است. تغییرات قابل توجهی در ساختار و قدرت حکومتی نیاز است تا بتوان روند اصلاح بحران آب را شروع کرد.

دسترسی به منابع آبی بدون سنجش با کنتورهای حجمی و تاسیس سدها به صورت گسترده باعث تغییر سیستم‌های طبیعی تغذیه‌ی آب در ایران شده‌اند که این باعث از بین رفتن امکان تولید کشاورزی و کاهش سطح آب دریاچه‌ها و محروم ماندن جوامع شهری و روستایی از دسترسی به آب شرب شده است.

زیرساخت‌های آبرسانی

ایران اکنون در جایگاه سوم جهانی در ساخت سد است. در حال حاضر بیش از ۵۰۰ سد در حال بهره‌برداری است و بیش از ۱۰۰ سد در حال ساخت و ۴۰۰ سد در مرحله طراحی یا در مرحله مطالعات فاز دوم هستند. تاثیر این سدها در ایران شدیداً منفی بوده است. آن‌ها بر پیکره‌های آبی، نقصان جدی وارد و دسترسی به آب در پایین دست را مختل کرده اند. براساس گزارش سازمان محیط زیست، سه دریاچه‌ی بختگان، پریشان و مهارلو در ایران خشک و به بیابان تبدیل شده‌اند. این سه دریاچه تحت حفاظت کنوانسیون محیط زیستی بین‌المللی بودند. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۱ در شهر رامسر ایران با عنوان "کنوانسیون رامسر" به امضا رسیده بود، اما این سه دریاچه در حال حاضر به شکل غیرقابل برگشتی، اکوسیستم‌شان تخریب شده است.

بختگان که از نظر مساحت دومین دریاچه بزرگ ایران بود، به طور کامل خشک شده است. کم‌آبی مداوم، در کنار تاثیر ساخت سد روی رود "گر" باعث این وضعیت

شد.

دریاچه ارومیه هم در ۲۰ سال گذشته، با کاهش ۷۰ درصدی سطح آب، روندی مشابه دریاچه بختگان را دنبال می‌کند. ۱۴ رودخانه وارد دریاچه ارومیه می‌شوند که ۴۰ سد روی آن احداث شده است. از دست دادن آب در دریاچه ارومیه باعث بالا رفتن میزان نمک شده است، که این نمکی شدن روی امکان تداوم زیست ماهی‌ها اثر منفی گذاشته است.

به گفته‌ی ناسا این دریاچه بزرگ‌ترین دریاچه در خاورمیانه و سومین دریاچه‌ی بزرگ نمکی در جهان است. به جز از دست دادن آب‌های سطحی، کیفیت آب در پایین دست و بالا دست کاهش یافته است. همچنین باعث اراضی شور شده و به سمت بیابانی شدن پیش می‌روند.

سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور گزارش داده است که در اواسط سال ۲۰۱۳ بیش از دوسوم خاک ایران به سرعت در حال تبدیل شدن به بیابان است. افت سطح آب سفره‌های آب زیرزمینی، باعث پیشرفت آب‌های نمکی به سمت جبهه‌ی آب شیرین شده و باعث افزایش نمک در آب آبیاری و خاک کشاورزی شده است. سیستم‌های آبیاری یک تیغ دو لبه است. نتیجه سیستم‌های آبیاری، افزایش بازده و محصول است و این، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را تشویق کرده بر توسعه‌ی سیستم‌های آبیاری از طریق سدها و زیرساخت‌های مرتبط، تمرکز کنند.

براساس مطالعات موسسه آب و خاک ایران، نمکی شدن ذخایر آبی باعث شده در جایی که آب کیفیت پایین دارد، گیاهان به صورت لکه‌ای در مزرعه از بین بروند، در رشد گیاهان تاخیر ایجاد شود و برگ‌ها دچار سوختگی شود.

کشاورزی

کشاورزی بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی در ایران را استفاده می‌کند. سیاست دولت بر خودکفایی و توسعه‌ی کشاورزی، به افزایش نرخ مصرف آب کشاورزی کمک کرده است. بر طبق گفته‌ی محمد درویش بوم شناس ایرانی، این فرایند به تشدید فزاینده کمبود آب منجر شده است. کم آبی توسعه را محدود کرده است و عدم اطمینان در صنعت کشاورزی که یک بخش کلیدی در اقتصاد ایران است را افزایش داده که تاثیر شدیدی بر اقتصاد ایران گذاشته است.

به گزارش نشریه دیپلمات، صنعت کشاورزی حدود ۱۳ درصد تولید ناخالص ملی و ۲۳ درصد اشتغال را در ایران تشکیل داده است. درحالی‌که زمین‌های کشاورزی غیرقابل کشت می‌شوند، آوارگان صنعت کشاورزی، مجبور به مهاجرت به شهرها خواهند شد و نتیجتاً باعث افزایش فشار روی زیرساخت‌های ارائه دهنده‌ی خدمات شهری می‌شوند.

با بارش محدود در مناطق کوچکی از شمال، شمال‌غربی، غرب ایران و نواحی ساحلی دریای خزر، امکان کشت

دیم به این مناطق محدود شده است. سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل (فائو) تخمین می‌زند کشت های آبی ۸۹ درصد کل تولید کشاورزی ایران را پوشش می‌دهد که البته بهره‌وری آبیاری به طور محسوسی در آنها پایین است. به گفته‌ی فائو، بهره‌وری آبیاری به طور میانگین ۳۳ درصد است و جا برای بهبود استفاده از آب بسیار است. آبیاری ناکارآمد می‌تواند میزان نمکی شدن آب و اشباع شدن خاک از آب نمک را افزایش بدهد که به کاهش تولید و چالش‌های طولانی مدت پایداری کشاورزی منجر می‌شود.

طبق گفته‌ی شورای عالی امنیت ملی، ایران به دلیل فقدان حوضه‌های آبی موثر، به آب‌های فسیلی و وارداتی وابسته است. این باعث شده که کشور ایران به ورود آب مجازی با واردات مواد غذایی مانند گوشت، میوه و صیفی‌جات- که آب زیادی برای تولیدشان مصرف شده- وابستگی زیادی پیدا کند. همان‌طور که کمبود آب افزایش یافته، با تداوم خشکسالی، ایران مجبور شده است غذای بیش‌تری وارد کند. بنابراین آسیب‌پذیری‌اش نسبت به وضعیت بازارهای بین‌المللی غذا بیش‌تر شده است.

در سال ۱۳۸۷ ایران امکان تولید ۳ میلیون تن گندم و جو را به دو علت کاهش قابلیت کشت زمین و خشکسالی از دست داد. کاهش عملکرد بصورت سالیانه ادامه دارد و باعث تحمیل مخارج اضافه برای واردات مواد غذایی توسط ایران شده است. در سال ۱۳۹۲ ایران ۶۰ هزار تن گندم از استرالیا به منظور حفظ ذخیره‌ی غلات کشور، برای جایگزینی کمبود این مواد غذایی به علت خشکسالی‌های اخیر، خریداری کرد.

راه حل مدیریت کارآمد استفاده از منابع آبی ایران، به بازنگری سیاست خودکفایی در مورد مواد غذایی (استراتژیک) وابستگی زیادی دارد. کمبود سرمایه‌گذاری و مدیریت ناکارآمد منابع طبیعی به طور مستمر، باعث وجود صنعتی ناپایدار شده که فشار سنگینی بر منابع آبی موجود، وارد می‌کند. کارایی استفاده از آب در صنعت کشاورزی ایران، باید بهبود پیدا کند. به‌روزرسانی سیستم‌های آبیاری و پایش دسترسی به آب‌های زیرزمینی، گام‌های تعیین کننده‌ای در مقابله با اتلاف آب در صنعت کشاورزی هستند.

تغییر اقلیم

اگرچه اثرات تغییر اقلیم دلیل مستقیم کمبود فعلی آب در ایران نیست، اما تشدید کننده شرایط کم‌آبی موجود به علت بارندگی محدود فعلی است. به گفته‌ی معصومه ابتکار رییس سازمان حفاظت محیط زیست ایران، در حال حاضر اقلیم، به علت اثر گازهای گلخانه‌ای، ۱/۵ تا ۳ درجه گرم‌تر شده است.

در رتبه‌بندی دانشگاه‌های ییل و کلمبیا، ایران هفتمین تولیدکننده‌ی گازهای گلخانه‌ای در دنیا است؛ در بین ۱۳۲ کشور، ایران چهاردهمین کشور از نظر عملکرد زیست محیطی در سال ۲۰۱۲ بوده است. نگرانی ویژه



روند خشک شدن دریاچه ارومیه

آب اعمال شود. احتمال بروز بی‌ثباتی داخلی به علت واکنش جامعه به محدودیت‌های مصرف آب در کنار نارضایتی احتمالی از دولت، به دلیل عدم پیشرفت آن در مسایل حفاظت از منابع آبی، ضرورت موفقیت دولت در بهبود بهره‌وری صنایع و بخصوص کشاورزی، در استفاده از آب را خاطر نشان می‌کند. زمانی که این فاکتورها را با پیش‌بینی اثرات تغییر اقلیم روی منابع آبی ربط می‌دهیم، واضح می‌شود که ایران بحران فاجعه‌بار عظیمی پیش رو دارد.

بارندگی پایین‌تر و افزایش جمعیت در حال رشد، باعث تقاضای هر چه بیشتر برای منابع آبی شده است در حالی که این منابع آبی در حال کاهش‌اند. رودررویی با چنین کمبود آب جدی، نیازمند تلاش بسیار هدفمند در سراسر ایران و سرمایه‌گذاری اضطراری دولت برای یافتن منابع آبی جدید، جهت پر کردن خلا آبی موجود می‌باشد.

تصفیه‌ی فاضلاب که تا به حال در برنامه‌های مدیریت منابع آب ایران، به آن ارزش کافی داده نشده، به احتمال زیاد یکی از به‌صرفه‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین انتخاب‌هایی است که برای تداوم آبرسانی در این کشور وجود دارد. دولت در ۶۵ سال گذشته، مشغول احداث سد برای رفع کمبودهای آبی بود، اما این جوابگوی فاصله‌ی در حال رشد بین تقاضا و عرضه‌ی آب نخواهد بود. با چراغ سبزی که مجلس ایران به انتقال آب از دریاچه‌ی خزر در بهمن ۹۲ نشان داد، به نظر می‌رسد که انتقال آب بین حوضه‌های آبی، علیرغم تجربه‌ی تلخ و عواقب قابل توجه زیست محیطی که این نوع انتقال‌ها بر جای می‌گذارد، همچنان ادامه خواهد داشت. احتمال ندارد که ادامه‌ی طرز تفکرهای قبلی و هر نوع "تغییر مسیر" جوابگوی نیازهای درازمدت آبی باشند! تغییر واقعی، نیازمند بازسازی قابل توجه سیاست، تغییر در اولویت تخصیص آب و ممارست جهت کاهش هدررفت آب در تمام بخش‌های اقتصاد است.

منبع:

www.futuredirections.org.au/files/sap/
The_Iranian_Water_Crisis1.pdf

پمپاژ، تانک‌های ذخیره و آب شیرین‌کن بزرگ می‌شود. این طرح "یک چسب نواری روی زخم خیلی بزرگ" برای دریاچه‌ی در حال مرگ ارومیه است. این پروژه ریسک وارد کردن زیان‌های بیش‌تر به محیط زیست هر دو دریاچه خزر و ارومیه را دارد و به عدم اصلاح دلایل ریشه‌ای کم‌آبی در منطقه منجر می‌شود.

استفاده از فاضلاب تصفیه‌شده نقش مهمی در پاسخگویی به تقاضای آب شرب در آینده دارد. استفاده ایران از فاضلاب را می‌توان برنامه‌ریزی نشده و کنترل نشده توصیف کرد، به استثنای تعداد انگشت شماری از موارد که در آن شهرها به طور فعال در زمان خشکسالی، فاضلاب تصفیه شده را مورد استفاده قرار می‌دهند.

از فاضلاب، اغلب به طور مستقیم برای آبیاری استفاده می‌شود. گزارش مرکز تحقیقات آب و محیط زیست دانشگاه صنعتی شریف تهران، تعداد قابل توجهی از بهره‌برداران غیرمستقیم آب (احتمالاً بدون مجوز یا در فقدان اجرای قانون) را شناسایی کرده است که آب تصفیه شده را در پایین دست محل تخلیه‌ی فاضلاب برداشت می‌کنند. اکثریت بهره‌برداران از نواحی روستایی هستند که آب فاضلاب را برای آبیاری استفاده می‌کنند و در بعضی از موارد در نبود منابع دیگر آب، برای مصرف شرب هم استفاده می‌کنند.

با توجه به عدم وجود سیستم مدیریتی کشوری برای تصفیه‌ی آب‌های فاضلاب و پتانسیلی که در استفاده مجدد از این آب‌ها وجود دارد، لازم است به مولفه‌های اقتصادی بودن و پایداری این نوع استفاده از نظر محیط زیست، توجه شود. برای مدیریت کارآمد مشکل کمبود آب در ایران، اولویت اول باید به تصفیه و استفاده‌ی مجدد از این آب‌ها در کنار افزایش بهره‌وری داده شود.

علیرغم این که رییس جمهور روحانی به نیاز به اصلاحات امور آب در ایران تاکید کرده‌اند، احتمال ندارد که تغییرات برنامه‌ریزی شده، اثر قابل توجهی بر عدم امنیت آبی ایران در کوتاه مدت بگذارد.

دورنمای آب ایران

رییس‌جمهور روحانی چارچوب برنامه‌ی خود برای حفاظت از آب‌های کشوری را اعلام کرده است که هدف آن سازماندهی مجدد منابع آب و بازنگری پروژه‌های کلان آبی دولت است. امیدوارکننده است که ایشان گفته‌اند: "برای اصلاح وضعیت کمبود آبی نیاز به پایین آوردن مصرف آب خانگی است؛ بخش کشاورزی باید به صورت کارآمدتری از آب استفاده کند؛ منابع آب زیرزمینی باید حفاظت شوند و حفر چاه قانونمند شود." با توجه به بالاگرفتن تنش‌های مرتبط با عدم امنیت آبی و بالا رفتن موارد اغتشاش اجتماعی، در شرایطی که آب از شهرهای کوچک‌تر به کلان‌شهرها انتقال داده می‌شود، لازم است حاکمیت قوی در جیره‌بندی

برای آلودگی منابع آب و هوای ایران وجود دارد. نوسانات بارندگی و حرارتی در نتیجه‌ی تغییر اقلیم، میزان آب شیرین قابل دسترس را کم کرده است و باعث تشدید شرایط خشکسالی در ایران شده است.

سیستم سنتی قنات امکانات بالقوه‌ی بهتری برای نگهداری و جلوگیری از تبخیر آب را دارد، در حالی که اتکا بر امکانات ذخیره‌سازی سدها باعث از دست رفتن هر چه بیش‌تر منابع آب سطحی از طریق تبخیر و کاهش امکان ذخیره‌سازی خواهد شد.

تخمین‌ها حاکی از آن است که آب قابل دسترس امروز تا ۳۶ سال آینده به نصف خواهد رسید. این اتفاق می‌تواند ایران را با عدم امنیت منابع آبی مواجه کند و تنش‌های موجود داخلی شدت پیدا خواهند کرد و به مناقشات داخلی، مهاجرت اجباری داخلی گسترده، هجوم به شهرها و تخریب و تنزل سیستم کشاورزی منجر می‌شود.

تأثیر چنین رویدادهایی بر اقتصاد، محیط زیست، شهروندان و حاکمیت، منجر به بی‌ثباتی قابل توجهی - در ناحیه‌ای که در حال حاضر هم بی‌ثبات است - می‌شود.

جست‌وجو برای منابع آبی جایگزین

در پاسخ به کمبود آب، دولت ایران انتقال آب بین حوضه‌های را به کار گرفته است. با تشخیص این که توزیع آب و دسترسی به آن مساله‌ی کلیدی کمبود آب است، مسوولان قصد جبران کمبود آب در یک منطقه از طریق انتقال آب به وسیله‌ی لوله، از حوضه‌ی آبی دیگر را دارند. تحقق این هدف بدون چالش ممکن نیست. در اوایل سال ۱۳۹۲ یک مرکز پمپاژ که آب را از یک رودخانه نزدیک شهر اصفهان به شهر یزد انتقال می‌داد، مورد اعتراض مخالفان محلی قرار گرفت که به رودررویی با پلیس انجامید. این انتقال باعث کم آبی کشاورزان در ناحیه‌ی اصفهان می‌شد و اعتراضاتی که یک هفته به طول انجامید، شدت گرفت. در حالی که مسوولان مشغول اتمام کار انتقال بودند. شهر یزد که حدود ۳۰۰ کیلومتر با اصفهان فاصله دارد، مجبور شد که آب خود را جیره‌بندی کند و در ضمن به صورت مکرر با کمبود آب روبرو شد.

در شرایطی که کمبود آب ادامه داشته باشد رقابت بر سر آب به احتمال زیاد بیش‌تر خواهد شد. این در شرایطی است که شهرها اولویت دسترسی به آب را نسبت به مراکز مسکونی دورافتاده خواهند داشت.

در سال ۱۳۸۹ برای حفظ دریاچه‌ی ارومیه - که در حال کوچک شدن بوده است - اعتراضاتی می‌شود که منجر به ضدخورد می‌شود و مسوولان امنیتی به آن‌جا فرستاده می‌شوند تا امنیت را برقرار کنند.

در حال حاضر سعی بر پاسخگویی به افت سطح آب در دریاچه ارومیه باعث شده که یک پیشنهاد بسیار جسورانه جهت انتقال آب از دریاچه خزر مطرح شود. این طرح که توسط مجلس ایران در اوایل بهمن ۱۳۹۲ مطرح شد، شامل چند نیروگاه برق-آبی، لوله‌های آبرسانی، مراکز

تأثیر فاجعه کم آبی بر تمدن ایرانی

روزنامه شرق - در فلات ایران داستان شروع کشاورزی متفاوت از همه جهان بود، ابتدا باید آب را از زیر زمین بیرون بیاورند و سپس به کشاورزی بپردازند. این آب احکام خاصی داشت: استخراج آن فوق العاده پرهزینه و حجم آن فوق العاده محدود و غیرقابل تغییر بوده است.

به راستی نقش آب در تمدن گذشته ایران چه بوده است؟ و قیود زیست محیطی چه تنگناهایی برای زیست محیط اجتماعی - انسانی به وجود آورده است؟ و با پیدایش منابع نفتی و درآمد ناشی از آن چه فاجعه‌ای برای زیست محیط انسانی از نظر جمعیت و منابع آبی به وجود آمده است؟ و در آینده با چه مشکلی روبه‌رو خواهیم بود؟ این بررسی پاسخی کوتاه به این سوالات است.

ایران عمدتاً دارای دو گونه زیست محیط و دو گونه زندگی و دو گونه نهادسازی و دارای دو گونه سازمان‌های برآمده از نهادها بوده است.

به گزارش شرق، یک نوع ویژگی‌های زیست محیط داخل فلات ایران است که تمدن خاصی را شکل داده است و نوع دیگر اوصاف زیست محیطی زاگرس و زیست محیط‌های مشابه آن است که نوع دیگر از زندگی و نهادها و سازمان‌ها را شکل داده است و این هر دو نشان داده‌اند که چه توانایی‌هایی دارند و در طول تاریخ چه کرده‌اند و یک نکته مهم هم همسایه‌های ایران در آسیای میانه و شبه جزیره عربستان بوده‌اند که اینها نیز در مجموع تأثیر چشمگیری بر تمدن فلات ایران داشته‌اند. محصول این حرکت تاریخی به هر دلیل و علت که بود توقف بسط تمدن در این منطقه بود

و در قرون اخیر به شدت متأثر از تمدن صنعتی غرب شد. وقتی تاریخ تمدن بشر را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که بشر به صورت کلی و نسبی سه دوران را پشت سر گذاشته است. به اختصار تمام از اینجا شروع کنیم که ما همه، روی کره زمین فرزندان جمعیت‌هایی بودیم که با شکار و جمع‌آوری روزگار می‌گذرانده‌اند و بعد از آن وارد عرصه کشاورزی شدیم. در کشاورزی به دلایلی بهره‌وری انسان و ابزار کار و زمین و منابع افزایش پیدا کرد. بعضی از جوامع توفیق داشتند آرام‌آرام رشد کنند و به مرحله سومی برسند که علم و تکنولوژی وارد توابع تولید شد و اروپای شمالی صنعتی شد و همزمان وارد نظام پارلمانی و ...

مردم اروپا زمانی که وارد عرصه کشاورزی شدند نوع ورودشان با نوع ورود ایرانیان به کلی متفاوت بود. آنها وارد عرصه‌ای شدند که آب، فراوان بود و زمین هم مساعد و اگر هم مزاحمتی بود ناشی از پراپی بود که باید به گونه‌ای مهار شود. در بخش فوق العاده عظیمی از اروپا، "آبیاری" فوق العاده بی‌معناست، یعنی مدد رساندن به آب برای رسیدن به کشت و زرع. از آسمان می‌بارد یا تبخیر کم. در ایران به ویژه در فلات ایران داستان شروع کشاورزی متفاوت از همه جهان بود، ابتدا باید آب را از زیر زمین بیرون بیاورند و سپس به کشاورزی بپردازند. این آب احکام خاصی داشت: استخراج آن فوق العاده پرهزینه و حجم آن فوق العاده

محدود و غیرقابل تغییر بوده است. حجم آن وابسته به نزولات آسمانی و البته خارج از کنترل انسان. پس، از ابتدا ایرانیان با منابع محدود و فوق العاده پرهزینه روبه‌رو شدند که داستان آن با اروپا کاملاً متفاوت بود.

این زندگی و تمدن کاریزی، به حیات ۳۳ هزار قنات وابسته بود که طول آن نزدیک به هشت برابر قطر استواست تا نزدیکی‌های ماه و کندن بعضی از این قنات‌ها از عجایب مخلوقات بشری است. مثل کندن قنات قصبه با طول ۳۳ کیلومتر و عمق مادر چاه بالای ۳۰۰ متر که سوالات بی‌شماری را مطرح می‌کند. از طول طناب و حجم طناب و وزن طناب و تامین هوای قابل تنفس در این عمق و نکات دیگر مهم، خود گنابادی‌ها می‌گویند قنات قصبه را "دیوان کندهاند".

باری ببینید، این حجم کار و این محصول کم چه قیده‌های زیست محیطی و قیده‌های عوامل تولید برای ما به وجود می‌آورد. تمام حجم آبی این قنات‌ها با یک برآورد سرانگشتی (قبل از اینکه تعدادی از این قنات‌ها خشک شوند، مثل قنات زارچ یزد به طول ۷۰ کیلومتر) دارای دوهزار متر مکعب در ثانیه هستند.

حالا می‌توانید این مقدار را مقایسه کنید با رود ولگا در روسیه به مقدار ۳۶ هزار متر مکعب در ثانیه و دانوب در اروپا به حجم حدود ۱۳ هزار متر مکعب در ثانیه و رود نیلگارا ۱۳ هزار متر مکعب و رودهای دیگر اروپا که عمدتاً حجم آب‌دهی آنها کمتر از دوهزار متر مکعب در ثانیه نیست. مثل راین، رن، تایمز، رود پو، لوار که همراه بقیه رودها و بارش‌های دایمی و تبخیر کم حیات اروپا را دامن می‌زند. حالا این فلات را نگاه کنید و تعدادی شهر که اصلاً غیر از قنات هیچ آبی برای فعالیت‌های خود ندارند، مثل یزد، گناباد، اردستان، میبد و بسیاری از شهرهای فلات ایران. در فلات ایران تعدادی شهر هستند که از چشمه و رودخانه‌ای فصلی هم مدد می‌گیرند که حجم آب آنها در مقایسه با منابع آبی اروپا اصلاً درخور توجه نیست.

این حجم کم آب و هزینه زیاد آن که جزو قیود اجباری زیستی اقتصادی ایران است و آن هم با فاصله زیاد، یعنی شهرهای دور از هم و روستاهای دور از یکدیگر که خود مانع دیگری در برابر تجمع و قدرتمندی این مکان‌های جمعیتی می‌شد. و البته که موجب ضعف آنها در افزایش ثروت و درآمد بود و همین‌طور موجب افزایش غیرقابل جبران هزینه‌های ایجاد امنیت و کنترل خشونت، شما همسایه‌هایی دارید ایلی به‌خاطر نوع زندگی، همیشه آماده هجوم به این مناطق بی‌دفاع، و این مناطق که همیشه در تامین هزینه دفاع مشکل داشتند در پس دیوارهای شهر و با تمهیدات دفاعی مختصر می‌توانستند اندکی دفاع کنند و در غیر این صورت تسلیم شوند و اندک منابع اقتصادی و درآمد خود را به حاکمان جدید بپردازند و تنش میان منابع و انسان بر اثر ورود افراد جدید و فشار بر منابع شدت می‌یابد و فقر تشدید می‌شود و امکان بسط اقتصاد به‌خاطر کمبود منابع

وجود نخواهد داشت. کل تمدن کاریزی از نظر تولید، تولید ضعیف و صنایع دستی بوده است. هم دسترسی به بازارها مشکل بوده است و هم پرهزینه به‌خاطر عدم تامین امنیت قابل ملاحظه و دوری و نبود قدرت خرید قابل ملاحظه برای دیگر مکان‌ها و واحدهای اقتصادی و هم عدم شکل‌گیری تقسیم کار به علت کمبود منابع و هزینه سنگین مبادله. در نتیجه تولید در حد رفع نیاز معیشتی باقی می‌ماند (به‌طور معمول) و حد بسط تمدن در حد شهر با تولیداتی مثل بیل، کلنگ، چرم، طناب، سفال، روغن برای چراغ و امثال اینها و کمی پارچه، گلیم و جاجیم و چیزهایی شبیه آن که بعضاً هم صادر یا وارد می‌شده است. ولی اینکه وارد حجم انبوه صادراتی و وارداتی شود به علل مختلف امکان‌پذیر نبود. این زندگی، زندگی معیشتی و خودکفا بود و در داخل هر شهر هم تقسیم کار محدود بود. منابع محدود، بازارها محدود، حمل‌ونقل پرهزینه، راه‌های امن محدود و ساعت کار برای گذراندن زندگی طولانی و کشنده. در واقع کمبود آب و پرهزینه‌بودن آن در این بخش از سرزمین عرصه زندگی را سخت کرده بود.

از طرف دیگر زندگی ایلات در کوه‌های زاگرس بود و کوه‌هایی که اندکی فرق آب و هوایی با دشت داشتند، در مجموع در ایران حدود دو هزار طایفه ایلی در نقاط مختلف ایران پراکنده‌اند به‌ویژه در سرتاسر زاگرس و در حال کوچ، بزرگ‌ترین ایل‌ها، ایل بختیاری، قشقایی و بویراحمد و ممسنی، ایل خسه و... نوع زندگی ایلی در مجموع به صورت کوچنده و زندگی سخت و دشوار و همراه با فقر و گذران زندگی، زندگی خشن که به علل مختلف می‌تواند به دامن چرخه تجاوز و غارت بلغزد. زندگی ایلی، بسیار خودکفا و بسیار ساده و همراه سختی و محرومیت شدید است. کمبود منابع اقتصادی برای بهره‌برداری، به نوعی برای ایلات مشهودتر است و فعالیت اقتصادی به معنی تبدیل کالا در ایل جزو کارهای فرعی است. در ایل گوسفند به‌دنبال علف و انسان هم به دنبال گوسفند است. از این جهت زندگی کوچ‌رو واقعا وارد درگیری با طبیعت برای تغییر آن نمی‌شود، در نتیجه زندگی ایلی طی چند هزار سال تغییری نکرده است، این اواخر با تغییراتی که در زیرساخت زندگی آنها با پول نفت به‌وجود آمده تعدادی به تحصیل و مشاغل دیگر پرداخته‌اند و امروز جمعیت ایلی که روزی نیمی از جمعیت ایران بود با افزایش جمعیت کشور و کاهش جمعیت ایلی به حدود ۲ درصد جمعیت ایران تقلیل پیدا کرده است.

این جمعیت در گذشته دفاع از خود را نیز برعهده داشته در نتیجه به عرف و عادات‌های وابسته به داخل جمعیت ایلی مشغول بوده است و به همین جهت نه از نظر اقتصادی و نه از نظر اجتماعی و سیاسی وارد یک نوع رابطه متحول پویا با دیگر جمعیت‌ها نمی‌شده و به‌صورت بسته میان خود زندگی می‌کرده است. و نوع زندگی آنها، همراه نوع منابع آنها دچار تحولی نبوده است و نمی‌توانست باشد مگر اینکه

آفات مختلف و خشکسالی و جنگ این زندگی حداقلی را تهدید می‌کرد و چرخه زندگی را باوجود حداقل آرامشی که داشت وارد چرخه تجاوز و غارت می‌کرد و این خوی، تبدیل به یک خوی دایمی می‌شد به نحوی وحدت آنها به دلایلی، فوق‌العاده شکننده و ارتباط ملی آنها برقرار نمی‌شده است، بلکه در ائتلاف‌های موقتی می‌توانستند وارد جنگی بشوند و اگر هم با حکومتی همدست می‌شدند و نیروی نظامی در اختیار می‌گذاشتند در قبال آن توقع داشتند در دستاورد جنگ‌ها مشارکت داشته باشند که عمدتاً غنایمی بود که تقسیم می‌شد. و از مالیات و تیول و اقطاع نیز می‌توانستند بهره‌مند شوند این نوع زندگی نه بستر وحدت ملی ایجاد می‌کرد و نه موجب امنیتی می‌شد که بتوان بر روی آن تمدنی را بنا کرد، بلکه زندگی ضعیف اقتصادی اطراف زاگرس هم مورد تهدید مکرر نامانی ایلات قرار می‌گرفت. در مجموع این کم‌آبی تأثیر فوق‌العاده منفی بر توانمندی منابع اقتصادی می‌گذاشت چه در فلات ایران و چه در زاگرس و مناطق کوهستانی مشابه، چه در محل ییلاق ایلات و چه در محل قشلاق ایلات. و این اقتصاد ضعیف به نوبه خود تأثیر منفی بر روی درآمدهای دولت برای اداره جامعه می‌گذاشت و دولت‌ها امکانات لازم را برای کنترل خشونت و ارایه نظم و ایجاد وحدت ملی و کم‌کردن هزینه‌های تقسیم‌کاری و تخصص‌گرایی و ارایه قانون و اجرای قانون نداشتند و شواهد حکایت می‌کنند اینها هیچ‌کدام به طور نسبی در ایران به‌وجود نیامد و فراموش نکنیم که در جنگ‌جبهانی دوم که ایران مورد تجاوز روس و انگلیس و آمریکا قرار گرفت تازه ایل بویراحمد یادش آمد که دولت مرکزی ضعیف شده و می‌توان به آن ضربه زد و در نتیجه به سمیرم و کازرون حمله‌ور شدند و برای اولین بار در تاریخ ایران که دولت مدرن (خوب یا بد) در تهران تشکیل شد و ارتش ملی تشکیل شد، حدود چند دهه طول کشید تا این ایلات به ضرب گلوله از دولت مرکزی تبعیت کنند. و در مورد بویراحمدی‌ها این داستان تا سال ۱۳۴۳ ادامه یافت که با اعدام تعدادی از سران آنها غایله فارس خاتمه یافت و این البته همراه سرمایه‌گذاری‌های سنگین زیربنایی با پول نفت در این مناطق بود که آرام، آرام ساختار نهادی زندگی این عزیزان تغییر کند. از طرف دیگر، عشایر شبه‌جزیره عربستان نیز در زندگی خشن و غارتگری، رقابت را از زاگرسی‌های ایران ربوده بودند و در مجموع خطر عمده‌ای برای ایران محسوب می‌شدند

که این به نوبه خود موجب هزینه‌های دفاعی سنگین برای ایران بود و از طرف دیگر ایلات سرگردان آسیای میانه هم خطر مهمی محسوب می‌شدند که آنها هم با زمینه‌سازی بغداد سرازیر به ایران شدند و تا زمان آغاز پهلوی در سرنوشت ایران تأثیر داشتند. در مجموع یکی از عوامل مهم ایجاد این مناطق ضعیف اقتصادی هم در فلات ایران و هم در زاگرس و هم تحمیل نوع زندگی خاصی به این منطقه و هم شبه‌جزیره عربستان و هم آسیای میانه، کمی آب برای گذران زندگی و هزینه سنگین برای تأمین آب و تحمیل زندگی سخت و خشن ایلی در منطقه خاورمیانه و همسایگان آن است و این خود چرخه زندگی را برای زندگی فلات، وارد چرخه پرمصیبتی می‌کرد که کرد و آنقدر زندگی معیشتی را ضعیف نگه داشت تا با همسایگان صنعتی‌ای روبه‌رو شدیم که این بار خشن‌تر از ایلات به سر وقت منابع این سرزمین آمدند و عمده مشکلی که این نوع زندگی ایجاد کرد این بود که با ثبات زندگی اقتصاد معیشتی و نهادها و سازمان‌های متناسب آن و عدم تحول آن، نیروی انسانی و مهارت‌های لازم را برای مدیریت منابع نفتی و زندگی صنعتی و مدرن بعدی نتوانست فراهم کند. با پیدایش نفت یک منبع جدید اقتصادی به منابع سابق افزوده شد که یک مرتبه موجب تحول عظیمی در اقتصاد و نهادها و ساختارهای نهادی و سازمان‌های کشور گردید. و این جریان به احتمال زیاد تا بودن پول نفت ادامه خواهد داشت. مهم‌ترین اتفاق مخربی که با حضور پول نفت در نظام اقتصادی کشور رخ داد، یکی افزایش جمعیت بود و یکی هم تخریب منابع آبی. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که استعداد اقتصادی فلات و زاگرس و البرز و حواشی آن به‌طور طبیعی گنجایش نگهداری هفت الی هشت میلیون جمعیت را بیشتر ندارد، مخصوصاً منابع آبی کشور امکان بیشتر از آن را اجازه نمی‌داد. با پول نفت و ورود آن به شکل‌های مختلف در چرخه اقتصاد ایران موجب شد که این جمعیت فعلاً به ۷۷ میلیون نفر افزایش پیدا کند و این افزایش جمعیت از نظر بهداشت و تغذیه و مسکن و وسایل زندگی دیگر به‌طور کامل به پول نفت وابسته است، و رواقع این جمعیت مونتاژ است و عامل اصلی تأمین‌کننده آن، پول نفت است که با تمام‌شدن آن آثار ویرانگر و مخربی بر این جمعیت که تمام نان خود را با پول نفت تأمین می‌کند خواهد داشت. از طرف دیگر افزایش پول نفت این امکان را به مردم داد

که با این پول تکنولوژی جدید وارد کنند و با آن مشغول غارت منابع مشاع زیرزمینی شوند به طوری که بسیاری از قنات‌ها را خشک و ویران کردند و برداشت منفی از منابع آب زیرزمینی به سالانه ۱۱ میلیارد مترمکعب رسیده است و سطح آب در اکثر مناطق بیشتر از یکصد متر افت داشته است. افت منابع زیرزمینی استان قم در جاده کاشان سالانه به ۲/۲ متر رسیده است و از ۴۸ متر در انقلاب الان به حدود ۱۵۰ متر رسیده و کف آب شیرین هم در محدوده ۲۰۰ متر است. شهرهایی که قرن‌ها استقلال داشته‌اند و از قنات ارتزاق می‌کرده‌اند، امروزه وابسته به ارتفاعات زاگرس شده‌اند و از زاینده‌رود آب می‌برند و استقلالشان را از دست داده‌اند و اصفهان که هزاران سال در کنار زاینده‌رود بود امروز زاینده‌رود در کنارش نیست. تقریباً تمامی دریاچه‌های کوچک مثل بختگان خشک شده‌اند. دریاچه ارومیه به‌شدت تهی از آب می‌شود. چاه‌های عمیق اطراف و سدها سهم آبی آن را برمی‌دارند. در مجموع آب کم و جمعیت زیاد می‌رود که فاجعه‌ای برای ایران بیافریند و فراموش نکنیم که تمام صنایع نیاز به آب دارند و برای تولید یک کیلوگرم فولاد ۵۰۰ لیتر آب مورد نیاز است.

اما نتیجه‌گیری؛ گسست اول بین منابع و نیروی انسانی در ایران به‌گونه‌ای رخ داد که شباهتی به اروپا نداشت و در نتیجه آثار مخربی بر بسط تمدن ایرانی برجا گذاشت که بی‌آبی عنصر مهمی در آن بود و این قید زیست‌محیطی محدودیت‌هایی برای بسط تمدن در جهات مختلف ایجاد کرد. و آن گسست دومی که بر اثر علم و تکنولوژی و زمینه‌های مساعد قبلی و چارچوب‌های نهادی مقدم بر آن از نظر امنیت و حقوق مالکیت کارا و تأمین مالکیت معنوی برای فوران اختراعات به‌وجود آمد، آن هم در ایران به‌تبع آن گسست اولیه ناقص، به‌وجود نیامد و گسست دوم با پیدایش منبع نفت به‌وجود آمد با نهادها و سازمان‌های متناسب با خودش که آن هم موجب واردات علم و تکنولوژی شد که از خود آثار متفاوت به‌جا گذاشت از افزایش بی‌رویه جمعیت و وابستگی شدید منابع غذایی و رفاهی آن به پول نفت و تخریب منابع آبی که طی هزاران سال در این زیست‌بوم شکل گرفته بود و اینکه در آینده ایرانی‌ها مجبور به کوچ‌های میلیونی کنند، همان‌طور که روستاها تخلیه شده‌اند، شهرها نیز تخلیه شوند. و امید است مدیریت فعلی بتواند این مشکلات را از سر راه بردارد.

۳۱ تیر ۱۳۹۳

اطلاعیه مهم

با خرید یک آجر نام خود را در صنعت پسته ایران جاودانه کنید

خواهشمند است مراتب همراهی خود را به شماره تلفن ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۶-۸ دفتر انجمن در کرمان اطلاع داده و مبلغ همیاری خود را به شماره حساب ۰۱۰۱۶۴۶۷۳۵۰۰۱ سپهر صادرات به نام انجمن پسته ایران و یا شماره شبا ۰۱۰۱۶۴۶۷۳۵۰۰۱ IR۸۲۰۱۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰ واریز فرمایید.

خود را برای همیشه جاودانه نمایید. بدیهی است محل و اندازه پلاک اختصاص یافته به هر نام بر اساس میزان مشارکت شما تعیین خواهد شد. هزینه مشارکت به ازای هر آجر دو میلیون تومان تعیین گردیده است. در صورت علاقمندی به مشارکت در این فعالیت

انجمن پسته ایران در نظر دارد با خرید یک واحد ملکی در شهر کرمان به عنوان دفتر مرکزی انجمن، بستری فراهم کند تا نام فعالان این صنعت را برای همیشه جاودانه و ثبت کند. شما می‌توانید با مشارکت در این حرکت جمعی و ماندگار، نام خود، فرزندان، بستگان و نزدیکان و یا حتی فعالان در گذشته

نگاهی به بازار آب در استرالیا؛

برندگان و بازندگان بازار آب چه کسانی هستند؟

ماهنامه پسته - کمیسیون ملی آب کشور استرالیا با انتشار گزارشی با عنوان "تاریخ کوتاه بازار آب در استرالیا" که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۱ منتشر شده است، به بررسی تجارت آزاد آب در استرالیا پرداخته است.

مقدمه

دستیابی به بهترین روش استفاده از منابع محدود آب شیرین در استرالیا از اواسط قرن هجدهم یک چالش مستمر بوده است. میزان بارش سالانه و جریان رودخانه‌ها در استرالیا در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار متغیر و کم است.

دولت استرالیا در اوایل و اواسط قرن بیستم در واکنش به این چالش، سرمایه‌گذاری، تشویق و حمایت مالی قابل توجهی جهت استفاده بهینه از منابع آبی، بوسیله‌ی گسترش زیرساخت‌های آبیاری در بخش کشاورزی کرده است، که این رویکرد باعث توسعه اقتصادی و رفاه جامعه شد. دولت استرالیا در تعیین اینکه آب چگونه، کجا و توسط چه افراد یا تشکلهایی باید مورد استفاده قرار بگیرد، نقش فعالی ایفا نمود.

برای استفاده بهتر از منابع آبی موجود - که رو به کاهش هستند - از بازار تجارت آب به عنوان روش اصلی استفاده شد.

ایجاد بازار آب کارا و کارآمد در استرالیا این الزام را به وجود آورد که سیاست‌گذاران به جای اتکا به تکالیف تعیین شده توسط دولت، به خرد جمعی کاربران آب اعتماد کنند. انعطاف‌پذیری و خودمختاری که بازار تجارت آب ایجاد کرده، باعث افزایش تولیدات کشاورزی و کمک به کشاورزان، روستاها و شهرهای وابسته به صنعت کشاورزی برای ادامه فعالیت در شرایط خشکسالی شدید، شده است. در عین حال، بازار تجارت آب این امکان را به وجود آورد تا راهی برای بازگرداندن سهم آب طبیعت فراهم شود.

دولت هنوز نقش کلیدی در بهبود عملکرد کارآمد بازار آب و مدیریت عواقب ناخواسته تجارت آن بازی می‌کند. امروزه بازار آب استرالیا در سطح بین‌المللی به عنوان نمونه‌ی موفق اصلاحات در زمینه آب شناخته می‌شود. این بازار در حال حاضر، گردش مالی حدود ۲.۴ میلیارد دلاری دارد و باعث بیشترین میزان بهره‌وری در استفاده از آب موجود شده است. باید توجه داشت که این قیمت‌گذاری توسط کاربران آب انجام می‌شود و سود اقتصادی سالانه‌ی حاصل از این تجارت، صدها میلیون دلار است.

اصلاحات اساسی مذکور که باعث توسعه بازار آب در استرالیا شد، زمان بر بود. در دهه ۸۰ میلادی، در زمانی که نخستین گام‌های آزمایشی به سمت تجاری شدن آب برداشته می‌شد، عده‌ی کمی توان پیش‌بینی رشد و توسعه چشمگیر بازار آب را داشتند. تجربه بازار آب استرالیا نشان

می‌دهد که پشتکار و همکاری با دیدگاه عملگرایانه می‌تواند منجر به نتایج خوب و دستیابی به مزایای ملموس حاصل از سیاست‌گذاری عاقلانه شود. چالش بزرگ پیش‌رو، حقایق‌های بی‌حد و حصری است که در گذشته تخصیص داده شده تا امکان دستیابی به مزایای مدیریت پایدار آب فراهم شود.

خلاصه اجرایی

پیشینه

تقاضای جهانی برای آب به دلیل رشد سریع جمعیت و تقاضای غذا در حال افزایش است. در همین حال، منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی محدود، متغیر و به طور فزاینده‌ای در معرض خطر است. همچنین تغییر اقلیم باعث افزایش آسیب‌پذیری زیست محیطی شده است.

توسعه‌ی روش‌های کارآمد، انعطاف‌پذیر و پایدار برای تخصیص منابع کمیاب و متغیر آب، جهت تداوم توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی ضروری است. هنوز در بسیاری از کشورها مکانیزم‌های منعطف مبتنی بر بازار، برای تخصیص آب، بسیار کم رنگ است و یا اساساً هیچ نقشی ندارد. تخصیص آب در این کشورها غالباً براساس مقاصد سیاسی یا ساختارهای اجرایی تاریخ گذشته، انجام می‌شود.

توسعه‌ی بازار آب در استرالیا، نتیجه‌ی تلاش هماهنگ و مداوم همه‌ی سطوح دولت در همکاری با بهره‌برداران و بنیان‌گذاران زیرساخت‌های شبکه‌های انتقال آب است. اما باید اذعان کرد که ایجاد و توسعه بازارهای آب در استرالیا حاصل محقق شدن یک برنامه جامع، یکپارچه و درازمدت نبود.

چرایی اجرای اصلاحات بازار آب

در دهه‌ی ۸۰ میلادی وقتی مشخص شد مجموع میزان برداشت از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی در استرالیا در حد تجدیدپذیری این منابع و حتی اضافه بر آن بوده است، عوامل متعددی دست به دست هم داد تا تخصیص آب منعطف‌تر شود. این عوامل عبارتند از:

- تمایل دولت برای سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های بزرگ زیربنایی آب روستایی در حال کاهش بود.
- این فرض که "توسعه دولت-محور در تخصیص آب، برای جامعه خوب است" مورد تردید جدی قرار گرفت.
- بخش کشاورزی در بازار بین‌المللی کالا، در معرض رقابت بیشتر قرار گرفت.

- آگاهی راجع به آثار زیانبار بر محیط زیست، بخاطر ذخیره کردن و استفاده بی‌رویه از منابع آبی در حال افزایش بود. پس از آن که منابع آبی در یک حوضه آبریز خاص کاملاً تخصیص داده شد، مشکلات و کاستی‌های سیستم موجود در تخصیص حقایق مشخص شد. بعد از آن که سقف استفاده

از منابع آبی تعیین شد، تنها راه ممکن برای دسترسی به آب بیشتر توسط بهره‌برداران فعلی یا جدید، خرید آب از اشخاص دیگری که مجوز دارند، بود.

چون مجوزهای آب به زمین وابسته بودند، هیچ راهکار راحت و در دسترسی برای انتقال آب یا مجوز به سایر بهره‌برداران وجود نداشت. کسانی که مایل به تامین آب بیشتری بودند، غالباً مجبور به خرید زمین و مجوز آب آن، بودند. در این صورت شخص خریدار می‌بایست هزینه‌ها و فرآیند بوروکراتیک زمان‌بری را متحمل می‌شد.

برای حل و فصل این مشکلات، بعضی از بهره‌برداران و سیاست‌گذاران از امکان انتقال آب بین بهره‌برداران از طریق خرید و فروش آب و حقایق حمایت کردند. در نتیجه، تجارت آب به عنوان یک راه حل عملی و کاربردی متکی به کم آبی در حال گسترش بود، نه یک استراتژی جامع برای معرفی بازاری جدید.

اصلاحات بازار آب استرالیا

در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، گام‌های اولیه‌ی به سمت تجارت آب در استرالیا محتاطانه اما تاثیرگذار برداشته شد. اما تردیدهای جدی درباره‌ی پیامدهای اجتماعی-اقتصادی رفتار با آب به عنوان یک کالای تجاری وجود داشت که منجر به یک رویکرد محدود کننده و تدریجی در اعمال تجارت آزاد آب شد. در ابتدا تجارت آزاد آب در مناطق محدودی اجرا شد، و در ادامه در بسیاری از مناطق، قبل از خرید و فروش دائمی حقایق، خرید و فروش حقایق به صورت موقت (فصلی) صورت پذیرفت.

اصلاحات توافق شده کشوری در سال‌های ۱۹۹۴ - ۲۰۰۴ میلادی، مرزهای سیاسی ایالتی را در هم شکست تا تجارت آب در حوضه‌های آبریز مرتبط ممکن شود. اصول کلیدی متن توافقنامه بازار آب عبارتند از:

- ایجاد حق دسترسی به آب قابل معامله بر اساس قوانین واضح و محکم
- تعیین قوانین تجارت آب برای انعکاس اثر عینی چرخه آب در معاملات بازار
- بکارگیری ابزار مکمل برای تامین، سنجش و مدیریت مصرف آب
- ایجاد زیرساخت‌های تجاری و حسابداری قابل اتکا در بازار آب

اگر چه نظام بازار آب استرالیا بصورت موثر کار می‌کند اما جای بهبود کارایی در آن وجود دارد. اگر چه نیازهای اصلاحی جامع‌تری شناسایی شده‌اند، ولی بعضی از قوانین هنوز منافع منطقه‌ای و ایالتی را تامین می‌کنند.

عواقب اقتصادی

بازار آب برای بهره‌بردارانی که حقابه ندارند، ابزار مدیریتی برای کاهش ریسک کم آبی و ایجاد انعطاف بیشتر در تصمیمات مصرف آب ایجاد کرده است. این ابزار به آن‌ها امکان پاسخ به عوامل محیطی از قبیل خشکسالی، تغییر در قیمت نهاده‌ها، شرایط بازار کالا و اهداف کسب و کار شخصی خود را می‌دهد. منافع فردی بهره‌بردارانی که حقابه ندارند- خصوصاً در مناطق مختلف حوضه آبریز ماری دارلینگ- منافع جمعی را هم تأمین کرده است.

تجارت آب در طول خشکسالی‌های اخیر استرالیا، نقش حیاتی در حفظ محصولات باغبانی داشت و به تأمین آب مناطق مسکونی کمک کرد. تجارت حقابه، ظرفیت آبی جدید ایجاد کرده و منجر به تصمیمات ساختاری برای جذب سرمایه‌گذاری بلند مدت شده است. برای مثال، توسعه سریع صنعت بادام استرالیا، بدون تجارت آب امکان‌پذیر نبود.

تجارت آب در استرالیا، سالانه صدها میلیون دلار سودآوری داشته و نمونه‌ای موفق در اصلاح سیاست‌گذاری در امور آب است. بعید است یک نظام مدیریت مرکزی آبرسانی توان انعطاف‌پذیری در انتقال و تخصیص مجدد آب را در دهه گذشته به خوبی بازار آب، داشته باشد.

عواقب زیست محیطی و اجتماعی

بسیاری از اثرات منفی احتمالی زیست محیطی و اجتماعی در تجارت آب، بروز پیدا نکرده است. قوانین بازار و ابزارهای سیاست‌گذاری مکمل (مانند مدیریت شوری) بر محدود کردن عواقب منفی موثر بوده‌اند.

در محافل عمومی اختلافات قابل ملاحظه‌ای در مورد اثرات منفی اقتصادی- اجتماعی بالقوه در انتقال آب از یک محل یا منطقه‌ای اقتصادی مطرح شده است. اما، با توجه به اثرات منفی خشکسالی، بسیار دشوار است که هر تغییر اجتماعی یا اقتصادی را به تجارت آب درون حوضه‌ای نسبت داد.

کاهش مصرف آب از طریق تجارت آن، تأثیر غیرمستقیم و محدودی روی صنایع وابسته و جوامع محلی داشته است، اما بازار آب عامل اصلی این تغییرات نبوده، بلکه تجارت آب صرفاً باعث تعدیل ساختار مصرف آب شده است. تجارت آب به کشاورزان حقیقی کمک کرده است تا در شرایط سخت دوام بیاورند یا صنعت کشاورزی خود را با کرامت رها سازند.

چالش‌های کلیدی در پایه‌گذاری بازار آب در استرالیا

بنیان‌گذاری بازار آب در استرالیا بدون چالش نبود، بلکه

موانع متعددی از تحقق کامل تجارت آب جلوگیری کرده‌اند. چالش‌های اصلی به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

- فنی مثلاً هزینه‌ی مطالعات اولیه‌ی وضع قواعد کاربردی و موثر در تجارت آب
- سیاسی: مثلاً کوتاه‌نظری‌های بومی گرایانه
- اجتماعی: مثلاً نگرانی برای ازدست دادن آب بعضی از مناطق و امکان ظهور "دیکتاتورهای آبی"
- فرهنگی و مدیریتی: مثلاً بی‌تجربگی پرسنل سازمان‌های دولتی مدیریت آب در خصوص استفاده از مکانیزم‌های مبتنی بر بازار

درس‌های اصلاحات بازار آب استرالیا برای دیگر کشورها

هم‌اکنون استرالیا حدود دو دهه تجربه در ایجاد بازار آب دارد. یقیناً استرالیا را می‌توان به عنوان مرجع جهانی در تخصیص آب مبتنی بر بازار و مدیریت منابع کمیاب آب، معرفی کرد.

درس‌های محوری این تجربه شامل:

- ۱- امکان ایجاد بازارهای آب در مناطق دارای چرخه‌های پیچیده آبی که بین دو یا چند استان قرار گرفته‌اند.
- ۲- بازارهای آبی که خوب طراحی شده باشند، با تمرکز بر ارزش روز و حقیقی آب، توان ایجاد ارزش افزوده بیش‌تر در یک منطقه کم آب دارد.
- ۳- شاخصه‌های فیزیکی و اقتصادی جهانی وجود دارند که نمایانگر صرفه و ارزش تجاری آب در هر محل هستند. این شاخصه‌ها شامل شرایطی است که در آن‌ها:
 - حداکثر بهره‌وری از منابع آبی قابل تخصیص انجام شود.
 - در فصول مختلف دسترسی به منابع آب متغیر بوده و در طول یک فصل امکان آبرسانی برای کشت، وابسته به این تغییرات است.
 - شبکه آبرسانی گسترده‌ای که در آن امکان اتصال مصرف‌کنندگان به یکدیگر نیز وجود دارد.
 - میزان تقاضا و درجه‌ی آسیب‌پذیری بهره‌برداران در پاسخ به کمبود آب متفاوت است.
 - تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در معرض ریسک ناشی از فراز و نشیب قیمت‌های جهانی محصولاتشان هستند
 - تقاضا برای آب، جهت شرب و مصارف زیست محیطی در حال افزایش است.
 - مطالبه جهت تغییر ساختار موجود برای صنایع آبربر وجود دارد.

۴- علیرغم وجود شاخصه‌های جهانی مذکور، برای طراحی بازار آب، شناخت جامع از سوابق تاریخی و ویژگی‌های خاص و محلی مدیریت منابع آب لازم است.

۵- پیش‌نیازهای مورد اجماع برای ایجاد یک بازار آب موثر

شامل موارد زیر می‌باشد:

- تعیین میزان حداکثر برداشت مجاز از منابع آبی جهت پایداری مصرف (ترجیحاً قبل از حد شدن شرایط کم‌آبی)
- تعیین حقابه‌های دقیقاً مشخص، قابل سنجش و با ضمانت اجرایی حکومتی، به طوری که بهره‌برداران از محفوظ بودن حقوق خود در معاملات آب اطمینان داشته باشند.
- وجود چارچوب حاکمیتی و نظارت سالم و عادلانه برای تجارت آب.
- اجرای اصول پایه مدیریت صحیح منابع آبی، از قبیل اندازه‌گیری کمی و حسابداری آن

۶- رویکرد تدریجی در توسعه‌ی بازار آب، مناسب‌ترین روش ایجاد اطمینان و تعدیل نگرانی ذی‌نفعان است. اما در صورت استمرار بیش از حد هم‌زیستی نظام مدیریتی سابق با نظام بازار، منافع بالقوه تجارت آب دست نیافتنی می‌مانند.

۷- با وجود احتمال عواقب زیست محیطی و اجتماعی بازار آزاد آب، رویکردهایی برای اصلاح این تبعات منفی وجود دارد که باید دقیقاً مدنظر و هدف قرار گیرد تا امکان مداخله‌ی آن‌ها در عملیات بازار محدود شود. مانند برخی از محدودیت‌های تحمیلی بر تجارت آب که پرهزینه هستند و پیامدهای منفی ناخواسته برای عملیات بازار آزاد آب دارند.

۸- بورس‌بازان بازار آب، به سرعت قوانین رایج در بورس را می‌آموزند و براساس این قوانین، تصمیم به خرید و فروش می‌گیرند. هر نوع مانع تراشی برای جلوگیری از توسعه و پیشرفت بازار، خواه ناخواه باعث خلأ قیمت بورس‌بازان (در دورزدن بازار) می‌شود که احتمال عواقب ناخواسته برای حقابه‌داران را در پی دارد.

۹- همچنان‌که بازار آب به بلوغ می‌رسد و جای خودش را پیدا می‌کند، نقش‌ها و مسوولیت‌هایی که بر خروجی بازار تأثیرگذار هستند، باید بسیار با دقت برای جلوگیری از تضاد منافع، تخصیص یابند. زیرا این تضاد منافع می‌تواند موجب فروپاشی اهداف اصلاحات شوند.

تجربه استرالیا در معرفی یک مکانیزم مبتنی بر بازار برای تخصیص منابع کمیاب آب، می‌تواند برای سایر مللی که با چالش‌های کمبود آب درگیر هستند، آموزنده باشد. همچنان‌که این تجربه را می‌توان در مدیریت سایر منابع طبیعی مورد استفاده قرار داد.

منبع:

<http://archive.nwc.gov.au/library/topic/markets/water-markets-in-australia-a-short-history>

خواب های طلایی

حسین زراعتکار، کارشناس آب زیرزمینی

شده بود. از دشت رفسنجان در هر سال پانصد میلیون متر مکعب آب برداشت می شد؛ بنابراین ارزش کل آب در این دشت در هر سال ۲۵۰ میلیارد تومان محاسبه گردید. طبق توافقی که در کمیته صورت گرفت قرار شد یک درصد از قیمت متوسط آب برای نظارت، کنترل و مطالعه دشت در اختیار اداره جدید آب قرار گیرد. بدین ترتیب درآمد اداره در هر سال به دو و نیم میلیارد تومان می رسید که صرف هزینه های اداره می شد. دیگر به اداره دولتی و بودجه آن نیازی نبود. مطالعات دقیقی در تمام نقاط دشت صورت می گرفت. از جمله سطح آب دشت از طریق چاههای مشاهده ای بدقت کنترل می شد. پس از مدتی در کمیته تصویب شد که مجوزهای صادره حالت شناور داشته باشند؛ بنابراین اگر در یک منطقه افت سطح آب مشاهده می شد مجوزهای صادره در آن منطقه کاهش می یافت و اگر در جایی سطح آب بالا می رفت بر عکس عمل می شد.

هرساله مجمع عمومی مالکان آب تشکیل و دست به انتخاب اعضای کمیته پنج نفره از مالکان می زد. تصمیمات اصلی از جمله انتخاب رئیس اداره، میزان هزینه ها و درآمدها، حقوق کارکنان، انجام مطالعات جدید و چگونگی عملیات گشت و بازرسی زیر نظر کمیته انجام می شد. با توجه به اعتماد کمیته آب، آقای حسنی همچنان به عنوان دبیر کمیته ادامه فعالیت می داد. این اواخر تقریباً همه چیز حالت عادی گرفته بود.

در آخرین مجمع عمومی که او در حال سخنرانی بود و از فعالیتهای گذشته، نتایج بدست آمده و برنامه های آینده صحبت می کرد ناگهان در میان همه همکاران بازنشسته سابق که تقاضای برگشت به کار را داشتند متوجه شد کسی او را با صدای بلند صدا می کند: سعید! سعید! بلند شو چقدر می خوابی؟! ساعت سه و نیم صبح است، وقت زیادی تا اذان نمانده، آب قطع شده چکار کنیم؟ سعید از خواب پرید، سحر شده بود، چشمان خود را مالید؛ چه خوابی!! بلند شد به سوی آشپزخانه رفت؛ به لیلیا که او را بیدار کرده بود گفت: عجب وضعی شده! مردم چطور با این بی آبی می سازند؟ از قبل مقداری آب در پارکینگ ذخیره کرده بود. یک ظرف ۲۰ لیتری آورد تا برای شست و شو و خوردن استفاده شود. در حال خوردن سحری بود که لیلیا گفت: راستی امسال افطاری چکار کنیم؟ کی مهمانی بدهیم؟ سعید گفت: اقوام من و شما روی هم ۷۰ نفری می شوند یکدفعه که نمی توان همه را دعوت کرد؟ جایمان تنگ است پس یکبار اقوام شما و یکبار اقوام من. یکدفعه یادش آمد که وضعیت مالی اش خوب نیست حقوق این ماه خرج شده بود. پرداخت قسط ها، ثبت نام کلاس زبان، کلاس فوتبال، کفش طبی و هزینه های ریز و درشت دیگر چیزی به جای نگذاشته بود. به لیلیا گفت: فکر نکنم بتوانیم هم اقوام شما و هم اقوام من را برای افطاری دعوت کنیم.

باشد.

۳- کنتور حجمی بر روی همه چاهها نصب گردد و هر زمان میزان برداشت به رقم مجوز صادره رسید، بطور اتوماتیک بهره برداری از چاه متوقف گردد.

۴- مالکان آزاد باشند زمان برداشت آب از چاه، میزان آبدهی لحظه ای و نوع استفاده را خودشان انتخاب کنند. همچنین مالکان حق خرید و فروش آب و یا انتقال آب به هر جا که صلاح می دانند را داشته باشند.

۵- مجوز حفر چاه جدید تحت هیچ شرایطی صادر نگردد. هر کس آب نیاز داشته باشد بتواند به نرخ بازار از دیگران خریداری کند.

جهت عملیاتی کردن مصوبات مقرر گشت در عرض شش ماه بر روی کلیه چاهها کنتور نصب گردد. همچنین با توجه به اینکه ۱۵۰۰ حلقه چاه در دشت رفسنجان مجوز داشت قرار شده نفر نیرو به منظور عملیات گشت و بازرسی استخدام گردد و به آنها آموزشهای لازم داده شود. بر این اساس هر مأمور مسئول گشت و بازرسی از ۱۵۰ حلقه چاه بود و وظیفه داشت در هر ماه حداقل یکبار از هر چاه بازدید و گزارشی از آخرین وضعیت چاه و میزان آب برداشت شده را طبق کنتور ثبت کند.

در طول شش ماه اداره جدید آب با ۲۰ نفر پرسنل تشکیل شد؛ ۱۰ نفر مأمور گشت و بازرسی، ۳ نفر کارشناس، ۲ نفر تکنسین مطالعات و بقیه هم جهت کارهای تدارکاتی و پشتیبانی.

شش ماه که به پایان رسید فعالیت اصلی شروع شد. مأمورین گشت و بازرسی بطور مرتب از چاهها بازدید و گزارش خود را به اداره جدید تحویل می دادند. به تدریج در سطح شهر بنگاههایی جهت خرید و فروش آب ایجاد شد. به نرخ بازار، پس از مدت کوتاهی هر متر مکعب آب پنج هزار ریال خرید و فروش می شد. البته بسته به موقعیت و کیفیت آب چاهها قیمتها کمی متغیر بود. با توجه به شرایط جدید، کشاورزان ارزش آب را به خوبی شناخته و به همین دلیل در زمستانها از چاهها خیلی کمتر استفاده می کردند؛ مالکان ترجیح می دادند از ذخیره خود در تابستان استفاده کنند. همچنین به تدریج روشهای سنتی و غرقابی به روشهای نوین آبیاری، تبدیل و مصرف آب در هر هکتار کاهش و در مقابل تولید پسته افزایش یافت.

چون آب در بازار به راحتی خرید و فروش می شد مشکل بخش صنعت و معدن نیز حل شده بود. مسئولین آب و فاضلاب هم برای تأمین آب شرب شهرها و روستاها در صورتی که با کمبود آب روبرو می شدند با مالکان چاههایی که کیفیت آب آنها مناسب تر بود به توافق می رسیدند و از آنها آب مورد نیاز را خریداری می کردند. البته قیمت آب شرب به نسبت گذشته خیلی گرانتر شده بود؛ ولی همین موضوع باعث صرفه جویی و کاهش مصرف سرانه آب شهری گردید. قیمت آب در بازار حدود پانصد تومان برای هر متر مکعب تثبیت

چند سالی از آن روز می گذرد؛ روزی که حکم مدیر آبیاری رفسنجان به آقای حسنی داده شد؛ حکمی با اختیارات کامل. به او گفته بودند دشت رفسنجان یکی از جاهایی است که سالها بیلان منفی داشته، سطح آب به شدت پایین رفته، قنات ها خشک شده، چاههایی که قبلاً پایابی بوده از بین رفته و جای آنها چاههای عمیق حفر گشته است. با اینکه تعداد چاهها بیشتر شده اما آبدهی جمعی آنها هر روز کمتر و کمتر می شود. او هم همان ابتدا با آنها شرط کرده بود که تنها در صورتی این مسئولیت را می پذیرد که اختیار تام داشته باشد. همان ابتدا گفته بود با نظر کارشناسان و کمک مالکان آنچه را صلاح بداند عمل می کند. آنها که تقریباً در حل مشکل مستأصل شده بودند به اجبار پذیرفتند. حتی به او گفتند اگر موفق شوی جلوی تشدید بحران را بگیری به عنوان یک الگو در دیگر دشتهای آن استفاده می کنیم.

او ابتدا با همکاری ۳ نفر کارشناس وضعیت فعلی دشت را بررسی کرد. طبق محاسبات و آمارها در هر سال حدود ۶۵۰ میلیون متر مکعب از دشت برداشت می شد. در مرحله بعد میزان مجوزهای صادره نیز دقیقاً محاسبه شد بر اساس مجوزهای صادره مالکان چاهها حق داشتند در همین حدود از دشت برداشت کنند. کار بعدی او در این مرحله محاسبه میزان ورود آب از طریق نزولات جوی در منطقه بود. محاسبات نشان میداد که در هر سال حدود ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب ورودی دشت است. پس اگر میزان برداشت آب از چاهها از ۶۵۰ میلیون به ۵۰۰ میلیون کاهش یابد جلوی تشدید بحران گرفته می شود. اما چگونه چنین کاری امکانپذیر بود؟ او فکر می کرد انکاء به قوانین موجود و کمک دولت او را به جایی نمی رساند؛ مخصوصاً که مالکان بر اساس سوابق گذشته هیچ اعتمادی نداشتند. پس تنها راه حل، کمک صاحبان چاهها بود. جلسات متعددی با مالکان چاهها گذاشته شد، سخت ترین مرحله همین بود. او پس از جلسات متعدد به تدریج موفق شد موضوع بحران آب را از یک موضوع دولتی به یک مشکل مردمی تبدیل کند. کم کم تعداد محدودی از مالکان قانع شدند. از این مرحله به بعد آنان نیز به کمک آمدند و سعی به متقاعد کردن بقیه داشتند. وقتی کار به دست خودشان افتاد توجیه دیگران سرعت بیشتری گرفت.

طبق محاسبات اگر کلیه مجوزهای صادر شده به میزان ۲۵ درصد کاهش می یافت رقم ۵۰۰ میلیون حاصل می شد، اما چگونه باید اینکار را عملیاتی می کردند؟ پس از تلاش فراوان کمیته ای که در آن نمایندگان مالکان نقش اصلی را داشتند تشکیل شد. در این کمیته در مرحله اول موارد زیر به تصویب رسید:

۱- مجوزهای جدید با ۲۵ درصد کاهش نسبت به قبل صادر شود.

۲- در مجوزهای جدید میزان برداشت سالیانه به صورت حجمی قید گردد و آبدهی لحظه ای در اختیار مالکان

بنابراین باید یک گروه را دعوت کرد. لیلا چیزی نگفت ولی احساسش این بود که منظور سعید این است که اقوام لیلا را دعوت نکنند؛ همینکه چیزی نگفت سعید فهمید مسئله ای پیش آمده ترجیح داد سکوت کند. صبح زود برای رفتن سر کار آماده شد، خداحافظی خشک و خالی کرد و از خانه بیرون زد. در راه که می رفت رادیوی ماشین را روشن کرد، یکی از مستولین آب و فاضلاب شهر پاسخ شهروندان را می داد، وقتی فردی سؤال کرد با این کم آبی چکار کنیم مسئول مربوطه گفت: ما نمی دانیم، آب نیست!! چه جواب حکیمانه ای! رادیو را خاموش کرد. همچنان در فکر افطاری بود. با خودش گفت به لیلا می گویم که خودت هر که را صلاح می دانی دعوت کن. ولی در اینصورت هزینه را از کجا بپردازد؟ خیلی بد می شود!! تصمیم گرفتم از یکی از همکاران که وضعی بهتر داشت قرض کند، این بهترین راه حل بود.

به محل کار که رسید کامپیوتر را روشن و کاغذهای روی میز را مرتب کرد. یک نفر ارباب رجوع داشت، مالکین یکی از جاهها بود. او قبل از آنکه آقای حسنی به اداره برسد آمده بود. می گفت: چاه اش خیلی کم آب شده، با اینکه چندین بار جابجا کرده ولی بی نتیجه بوده. در ضمن آب آن شور هم شده. درخواست مجوز جابجایی چاه را داشت. آقای حسنی در مورد وضعیت آبی منطقه برایش توضیح داد. او هم با ناراحتی اطاق را ترک کرد. آقای مهندس حسنی روزنامه روی میز را باز کرد تیرتی توجه او را جلب کرد! از قول یکی از وزرا نوشته بود: مشکل کم آبی در استانهای سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان و یزد از طریق انتقال آب از خلیج فارس رفع خواهد شد؛ چه جمله رمانتیکی بود! اگر باغات پسته با آب خلیج فارس آبیاری شود، چه می شود!! با خودش گفت: ایشان احتمالاً داستانهای تخیلی زیاد می خوانند. یادش آمد یکی از مقامات سابق هم گفته بود: به هر خانواده هزار متر زمین می دهیم تا باغخانه درست کنند حیف که نشد! یکی دیگر گفته بود اصلاً دشت ممنوعه، دیگر چه صیغه ای است؟ بگذارید کشاورزان هر جا می خواهند چاه بزنند. این حرفها از گذشته هم سابقه داشت، دهها سال قبل گروهی می خواستند خلیج فارس را از طریق کویر به دریای مازندران وصل کنند و یا از تاجیکستان آب بیاورند و

کویرهای ایران را آباد کنند...

روزنامه را گوشه ای گذاشت، یکدفعه متوجه شد کسی که می خواست از او پول قرض بگیرد به طرفش می آید، پس از سلام و علیک از حسنی پرسید خبر نداری تفاوت حکم ها را کی می دهند؟ جواب شنید نه، چطور؟ گفت چک داده ام، به پول نیاز دارم. با وجود وزش باد داغ از کولر آبی، عرق سردی بر صورتش نشست. آن طرف تر چند تا از همکاران درباره جام جهانی فوتبال برزیل صحبت می کردند. آن یکی می گفت: مکزیکی حشش باخت نبود، دیگری می گفت: شیلی عجب خوب بازی می کرد و اگر آرژانتین مسی را نداشت در همان مرحله اول کارش تمام بود. مهندس حسنی به شوخی به آنها گفت: شما هیچ کار اداری ندارید؟ یکی که سابقه اش بیشتر از دیگران بود گفت کار نکنیم، خدمت بیشتری کرده ایم. نتیجه کار کردن ما را در طول سالهای گذشته می بینید! در همین حال با دست اشاره ای به کانال کولر که از آن به جای هوای مرطوب و خنک باد خشک و داغ می وزید کرد. فشار آب آنقدر کم بود که به کولرهای پشت بام نمی رسید.

با خودش گفت: سری به اینترنت بزنم، در یکی از سایتها چند تن از متخصصین آب در مورد بحران آب نظراتشان را گفته بودند. یکی از آنها گفته بود: بدلیل پدیده ال نینو و گرم شدن هوا تغییرات اقلیمی زیادی در منطقه رخ داده و باید با انتقال مغناطیسی، ابرهای باردار مدیترانه ای و سومالی را به سمت فلات ایران کشانده و بارندگی را افزایش دهیم. دیگری گفته بود: بدلیل رو-راندگی سپر تکتونیک ایران بر روی سپر عربستان در محل اتصال پلیت های تکتونیک، چشمه های آب شیرین زیادی در کف خلیج فارس می جوشد که باید از آنها استفاده گردد. آن یکی گفته بود: منابع لایزال آب در کویرهای ایران و در اعماق پایین وجود دارد باید با حفاریهای اکتشافی تا عمق هزار متر از آنها بهره برداری شود و خیلی از این حرفهای بزرگ. حسنی با خودش فکر کرد کاش من هم مثل اینها معلومات داشتم عجب حرفهایی بلدند که من نمی فهمم!! یکدفعه برق رفت و کامپیوتر خاموش شد، با خودش گفت: راحت شدم!!! رئیس اداره از صبح جهت شرکت در سمینار کارایی کارکنان و بهره وری در محیط کار از اداره بیرون رفته بود. آقای حسنی دور و برش را نگاه کرد دید بچه ها هم

همه رفته اند!! تلفن زنگ زد، نگهبان بود گفت: آقای مهندس همه همکاران رفته اند شما تا کی تشریف دارید؟! آقای حسنی منظورش را فهمید و گفت: من هم چند دقیقه دیگر می روم. نگهبان گفت: خدا خیرتان بدهد!!!

آقای حسنی کیف خود را برداشته و به سوی منزل راهی شد وقتی رسید، دید اوضاع اصلاً روبراه نیست؛ نه سلامی و نه علیکی؛ همه اش مربوط به سوتی دیشب بود. کتابی بر داشت تا خودش را سرگرم کند چند خطی خواند اصلاً نفهمید چه می خواند یکدفعه به ذهنش رسید که برود آشپزخانه و ظرفها را بشوید. با خود گفت: این کار جواب می دهد! عجب بدنشاسی! آب قطع بود. برگشت تلویزیون را روشن کرد شبکه خبر بود و میزگرد نمایندگان، به دقت گوش فرا داد، یکی صحبت از خودکفایی در کشت گندم داشت؛ دیگری خودکفایی در هشت محصول اصلی زراعتی را به شرط بهینه سازی مصرف آب ممکن می دانست؛ مهندس حسنی با خود اندیشید من که در ایران چنین آب تجدیدپذیری سراغ ندارم!! سومی برای پیشگیری از بالا رفتن متوسط سنی جامعه، جرمه عمل واکتومی را کافی به مقصود نمی دانست؛ مجری میزگرد نیز طرفدار افزایش بودجه برای کار فرهنگی در این زمینه بود. چون قضاوت درستی به ذهنش نرسید تلویزیون را خاموش کرد. فکر کرد در این شرایط خواب بهترین است و چه بهتر یک آهنگ آرام، همچون خوابهای طلایی جواد معروفی همراه باشد. کمی شنید حوصله اش سر رفت، خوابش نمی برد، آهنگ هم دلچسب نبود، بلند شد لباسهایش را پوشید با سر و وضع نامرتبی از منزل بیرون آمد تا کمی قدم بزند. هوا گرفته بود، ذرات گرد و خاک تمام فضا را پر کرده و قرص خورشید در آسمان با رنگ نارنجی، ناامیدی را به تمام فضا می پراکند. همینطور که در خیابان قدم می زد متوجه شد کسی با صدای بلند رو به او می گوید: چرا اینقدر اذیت می کنی من از کجا بیاورم؟ خواست چیزی بگوید متوجه شد، طرف با گوشی همراه حرف می زند؛ ظاهراً با همسرش بود. بی اختیار به یاد مذاکرات مجلس افتاد، به راه خود ادامه داد در دوردست طوفان شن فضا را پر کرده بود. تشنه شده ولی همچنان بی هدف قدم می زد. کجا می رفت خودش هم نمی دانست. طوفان شن نزدیک و نزدیک تر می شد.

اطلاعیه

پاسخ به سوالات فنی باغداری توسط انجمن پسته ایران

پاسخ پرسش هایتان را از ما بگیرید

لازم است اطلاعات مورد نیاز از قبیل موقعیت جغرافیایی، محل باغ و شماره تلفن جهت تماس کارشناسان انجمن ذکر شود.

در صورتی که پاسخگویی منوط به بازدید از محل باشد، زمان مناسبی برای بازدید از باغ شما ترتیب داده خواهد شد. درضمن پرسش و پاسخهای رد و بدل شده در وبسایت انجمن پسته ایران قابل مشاهده خواهد بود.

کشور می رساند که سیستم پاسخگویی تلفنی انجمن از اول شهریورماه ۹۳ راه اندازی شده و به سوالات شما پاسخ خواهد داد.

باغداران عزیز می توانند در هر ساعت از شبانه روز، با شماره تلفن ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۸ دفتر کرمان انجمن تماس حاصل نمایند و پس از شنیدن پیام صوتی، سوال خود را مطرح کنند.

ماهانامه انجمن پسته ایران- اگر سوالات بی پاسخ فراوانی در زمینه باغ داری دارید، اگر به کارشناس خبره، متخصص و بی طرف، دسترسی ندارید، اگر از آزمون و خطا کردن خسته شده اید و ... انجمن پسته ایران این فرصت را فراهم کرده است تا در کم تر از ۴۸ ساعت و براساس فوریت، به سوالهای شما پاسخ دهد.

بر این اساس به اطلاع اعضای انجمن و باغداران پسته

کاسه داغ تر از آتش در بحران کم آبی در باغات پسته!!

محمد جمالیزاده - کارشناسی ارشد بیماری شناسی گیاهی - عضو انجمن پسته ایران

ماهنامه پسته - در آخرین شماره ویژه‌نامه انجمن پسته ایران که تیرماه منتشر شد. پرونده‌ای هم به بحث آب اختصاص یافته بود. این در حالی است که پیش از این نیز انجمن پسته ایران با حساسیت مساله‌ی آب به ویژه آب‌های زیرزمینی را

مشکلات باغات پسته در ایران زیاد است و شاید مهمترین مشکل بحران آب و کم آبی باشد. علاوه بر کاهش ذخایر سفره‌های آب زیرزمینی بعلاوه برداشتهای بی رویه کیفیت آب هم در بسیاری از نقاط بسیار بحرانی است. غلظت عناصر سمی بویژه سدیم کلر و بور در آب آبیاری آنقدر بالاست که در بسیاری از موارد مسمومیت به این عناصر بویژه روی برگها و درختان آشکار است. بهر روی با این شرایط کم آبی حتی آب با کیفیت پایین هم غنیمت محسوب می شود و بسیاری از آن بی بهره اند بخصوص در اوج دوره پر شدن مغز در تابستان نیاز به آبیاری بسیار حاد و مساله ساز است و بسیاری از کشاورزان بهمین خاطر درصد بالایی از محصولشان بر باد می رود.

از افراد خود را صاحب نظر می دانند و انگار که کلا پسته ایران ارث پدری آنهاست و اگر پسته ای برداشت می شود از زحمات پدران آنها بوده است و دیگران شعور پسته کاری را نداشته اند و ما داشته ایم و ما اولین بار در باغات پسته چنان کردیم و چنین کردیم و اگر ما نبودیم اصلا پسته ای وجود نداشته و اولین بار ما تراکتور را در باغات پسته آوردیم و اولین کودهای شیمیایی را ما دادیم و اولین دستگاههای برداشت پسته را ما از فلان کشور وارد کردیم و از این دست حرفها که البته نمی شود کلا این مسایل را رد کرد اما اینکه ما کاسه داغتر از آتش شویم و خودمان را تصمیم گیران اصلی صنعت پسته بدانیم منطقی نیست. بهر حال نسلی که نو است و علاقه به باغداری و پسته داری دارد هم زحمت می کشد و صنعت پسته ارث پدری عده ای نیست که اینقدر دل و روده برای آن پاره می کنند!! در مورد آب که بحث اصلی مطلب ما بود نیز این نکته بسیار حایز اهمیت است و عده ای گردن کلفت آبهای زیر زمینی که برای آبیاری باغات پسته خود استفاده می کنند را ارث پدری می دانند و جای تاسف اینجاست که عده ای زود باور برای ایندسته از افراد به به و چه چه سر می دهند که آقای ایکس چقدر انسان خوبی است ببین چقدر مخالف چاههای غیر مجاز است و نمی خواهد برداشت بی رویه صورت گیرد از منابع آبی و ...مصاحبه در مورد آب با فلان استاد ترتیب می دهند و خودشان را نماینده همه کشاورزان در مورد آب می پندارند و با دادن مجوز به چاههای جدید مخالفند. بسیاری از نقاط در ایران وجود دارند که به دلیل بی آبی درختان پرتومر پسته خشک شده اند و دولت هیچ مجوزی برای حفر چاه نمی دهد ولی این آقایان از زمان رژیم طاغوت دهها چاه و تلمبه برای خودشان زده اند و دهها لیتر پروانه بهره برداری آب دارند و در همه جاها نفوذ!! بهر روی اینکه هی مخالفت می کنند با زدن چاههای جدید این است که چاههای خودشان کم آب می شوند و صدها هکتار زمین خدا را که زیر کشت برده اند و میلیاردها درآمد از آنها سالانه دارند کم آب می شوند!! در همه نقاط و دشتهای پسته کاری که بحران آب وجود دارند هستند عمده مالکانی که دهها تلمبه درست برای خودشان دارند و صدها هکتار زمین برای خودشان از دهها سال پیش دست و پا کرده اند و آب زیر زمین را تند تند می کشند و پای درختان خود می کشند و حالا

شده اند کاسه داغتر از آتش که چرا دولت با چاههای غیرمجاز و مجاز آبی که حفر می شوند برخورد نمی کند و تنها هدف آنها این است که چاههای خودشان دچار کم آبی نشوند و الا هیچ گربه ای در راه خدا موش نمی گیرد!! جای تاسف آنجاست که بسیاری از افراد ساده باور و ساده فکر می کنند که این گردن کلفت هایی که دهها تلمبه شش دانگی دارند دلشان برای منابع آب زیر زمینی می سوزد. در واقع ایندسته از افراد از منافع شخصی و زیرکیشان است که سنگ کم آبی را به سینه می زنند و مصاحبه در مورد آبهای زیر زمینی می کنند و می گویند برداشت بی رویه از منابع آبی خوب نیست و از این دست حرفها!! اگر دقت شود می بینیم که همین گردن کلفتها که دهها تلمبه دربستی دارند هیچ فکری برای هدررفت آب در باغات خود نمی کنند و آبی که با هزار مکافات از زیر زمین در میآید و ارث پدرانشان می پندارند را صرف درختانی می کنند که در اکثر موارد خشک شده اند و کمترین راندمان و بازدهی ندارند!! در حقیقت سیستم آبیاری در ایندسته از باغات عمده مالکی غرقابی است و کارگرانی آبیاری را انجام می دهند که کمترین توجهی به هدررفت آب ندارند!! جای سوال اینجاست که چرا این عمده مالکان که اینقدر سنگ آب و کم آبی را به سینه می زنند چرا باغات خودشان را با استفاده از سیستم های آبیاری تحت فشار اداره نمی کنند تا مصرف آب و هدررفت آب کمتر نشود و فقط گیر داده اند به چاههای غیر مجازی که دهها و صدها خرده مالک در آنها شریک هستند و تمام زندیگشان همین یک ساعت دو ساعت آب است و بهر طریقی که شده درختان ملت بیچاره خرده مالکی را خشک می کنند بعلاوه بهانه غیرمجاز بودن چاه و خوشان که هزاران هکتار باغ دارند باید تلمبه هاشان حتی یک لیتر هم افت آب نداشته باشند! قانون استفاده از آبهای زیرزمینی در ایران یک قانون کهنه و منسوخ است و آبی که زیر زمین است ارث پدری عده ای خاص نیست و متعلق به همه ملت و نسلهای آینده است. چرا باید افرادی که دهها سال پیش و در رژیم منحوس طاغوت با هزاران رشوه و پارتی و نفوذ در دستگاهها دهها تلمبه عمیق با لیتراژهای بالا احداث کرده اند تا قیام قیامت از این آب و خاک بصورت نسل به نسل استفاده کنند و مردم بدبخت بیچاره هم نظاره گر باشند. چرا مالیات بر ارزش افزوده و درآمد ایندسته از باغداران گردن کلفت

بهر روی برای رفع معطل کم آبی راه حل های زیاد و متنوعی پیشنهاد شده است بخصوص رفتن به سمت استفاده از آبیاری تحت سیستم که تا حد زیادی می تواند مشکل گشا باشد اما در زمین های خرده مالکی واقعا استفاده از سیستم آبیاری تحت فشار امری غیر کاربردی و محال است. بهر روی یکی از راه حل های دیگر انتقال آب است که این دسته از طرحها هم بسیار پر هزینه هستند و در بسیاری از موارد غیر کاربردی. در مورد کم آبی و معضلات مربوط به آن نکته‌های زیادی وجود دارد که از دید بسیاری مغفول مانده است و آن این است که عده‌ای خاص که خود را نماینده همه کشاورزان در مساله آب می‌دانند و سنگ حمایت از کشاورزان را به سینه می‌زنند که ما طرفدار کشاورزان هستیم و هی با برداشتهای بی‌رویه آب مخالفیم و آب نباید بی‌رویه برداشت شود و منابع آبی کم هستند و ما باید جلو حفر چاههای غیرمجاز را بگیریم و برداشتی صورت نگیرد. محاسبات این عده اینقدر ملانقطه ای هست که برای ۱ لیتر آب هم حساب و کتاب دارند و معادلات ریاضی می نویسند که اگر ما بخوایم آب را انتقال بدهیم ایکس قران می شود و بهتر است آب را بخریم و خلاصه هی سنگ طرفداری از کشاورزان را بر سینه می‌زنند و خود را طرفدار کشاورزان می‌انگارند و بر بوق و کرنا می‌کنند که چرا دولت جلو حفر چاههای غیر مجاز را نمی‌گیرد و چاههای غیر مجاز زیاد هستند و از این دست مسایل. علاوه بر بحران آب در صنعت پسته ایران در موارد بسیاری از موارد دیگر صنعت پسته ایندسته

باید در حد صفر باشد!! و همانطور که گفتم نکته تلخ ماجرا این است که ایندسته از افراد خود را صاحبان اصلی پسته ایران می دانند و سنگ کم آبی و برداشت بی رویه از آبهای زیرزمینی را به سینه می زنند و با این و آن مصاحبه می کنند تا همگان را آگاه کنند که نباید تلمبه ای در حریم چاههای آنها احداث شود چون منابع آب های زیر زمینی بخطر می افتند! به امید فردایی بهتر برای صنعت پسته ایران!!
منبع: <http://mjmalizadeh.persianblog.ir>

برخی نظرات مطرح شده در مورد این مقاله در وبلاگ

مهرداد وکیل زاده

با سلام

چاه های آب کشاورزی رو به خشک شدن هستند و یکی پس از دیگری تعطیل میشوند و در نتیجه باغ ها نیز رو به نابودی خواهند رفت.
حالا افرادی که صاحب چند چاه هستند میتوانند مدت زمان بیشتری از آب زیر زمین استفاده کنند ولی خرده مالک ها زودتر باید خشک شدن درخت ها را ببینند. حال میماند که چاره چیست؟

محمد

یعنی منظورتون اینه که حالا که چند نفر به قول شما گردن کلفت چاه دارای مجوز دارند نباید جلوی حفر چاه های غیر مجاز رو گرفت!!! کدوم منطقی این حرف رو می پذیره؟
فکر کنم شما مشکلک فقط با پولدار بودن و طاغوتی بودنشونه!!! ضمنا خرده مالکانی که می فرمایید به خاطر مقدار کمی سود بیشتر و عدم نظارت مسئولین آسیب زیادی به صنعت پسته ایران وارد می کنند مثلا در بحث کنترل آفات و برداشت بهداشتی یا قضیه مضحک فروختن قوطی های خالی سم مونتو و..

دادمند

نکته خیلی جالب رو عنوان کردید در اروپا و امریکا آب زیرزمینی رو مالکیت شخصی نمیدن فقط زمین هست که به فردی تعلق داره با نداره... این آقایون کل مالک که هیچ مالیاتی رو هم بابت ملیونها لیتر آبی رو که دارن از سفره های زیر زمینی میکشن نمیدن فقط به دنبال از بین بردن کشاورزان خرده مالک و پولدارتر شدن خودشون هستند. جالبه که این اب رو چه کسی به اینها داده مگه پدران این عزیزان از اون دنیا با خودشون این اب رو آوردن یا از طرف خدا دستونشسته ای رو دارن؟



نشریه خبری تحلیلی انجمن پسته ایران



* دفتر کرمان

تلفن: ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۶-۸ نامبر: ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۹

* دفتر تهران

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۴۷۳۰۰-۴۰۰ نامبر: ۰۲۱-۸۸۹۴۷۳۸۴

* دفتر مشهد

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۳۷۱۹۷ نامبر: ۰۵۱۱-۲۲۱۵۶۱۰

* دفتر دامغان

تلفن: ۰۲۳-۳۵۲۴۹۰۱۰ نامبر: ۰۲۳-۳۵۲۴۹۰۱۰

www.iranpistachio.org

info@iranpistachio.org

سایت:

پست الکترونیکی:

فروش یک حلقه چاه کشاورزی

در خراسان رضوی

(مناسب جهت پسته کاری)

دبی ۳۰ لیتر در ثانیه، برقی،

دارای ۱۱۵ هکتار زمین با

خاک و آب ایده آل جهت پسته کاری

دارای کانال بتنی در کل اراضی

مزرعه پرورش ماهی با مجوز ۳۵ تنی

۴ هکتار باغ پسته ۱۵ ساله

دارای ۳ سند مجزا

فروش و یا مشارکت

۰۹۳۷۲۰۸۲۱۷۰-۰۹۱۲۲۰۸۲۱۷۰



www.pisteej.com





شماره ثبت : ۵۳۴

شرکت کشاورزی سیرجان بنیاد (سهامی خاص)
SIRJANBONYAD AGRICULTURE CO.



Institute Of Standard
And Industrial Research
Of I.R. No. : 27321

تولیدکننده برتر پسته در ایران

The Superior Producer Of Pistachio In IRAN

نشانی: سیرجان- بلوار سیدجمال الدین اسدآبادی صندوق پستی ۴۶۱

تلفن: ۰۳۴۵-۵۲۲۴۴۰۳-۵۲۲۵۴۳۰-۵۲۲۱۱۸۳

نمبر: ۰۳۴۵-۵۲۲۵۲۴۳

Add: Seyed Jamal-e Din Blvd. P.O.Box: 461
SIRJAN I.R.IRAN

Tel: +98 345 5225430 , 5221183 , 5224403
Fax: +98 345 5225243

Website: www.pistachio-tooka.com
Email: info@pistachio-tooka.com
sirjan@agriholding.ir



فرآوری و صادرات پسته جلال آباد



بزرگترین فرآوری پسته ایران

صادر کننده پسته به بیش از ۱۴ کشور جهان



www.Jalalabadco.com _ Info@jalalabadco.com

آدرس: سیرجان، نجف شهر، فرآوری پسته جلال آباد

تلفن: ۰۳۴۵_۳۳۴۰۰۷۶ _ فکس: ۰۳۴۵_۳۳۴۰۳۷۶

2XSYS

تنها حشره کش با خاصیت
سیستمیک دو طرفه

موونتو



MOVENTO®



- دوام طولانی در کنترل آفت
- سیستمیک دو طرفه (اوند چوب و آبکش)
- طرز تاثیر جدید
- ایمن برای حشرات مفید

قایم باشک بازی تمام شد...

راههای شناسایی بسته بندی محصولات بایر:



۳



۲



۱

۱- حک علامت بایر روی درب بطری

۲- حک سه علامت برجسته در سه طرف قسمت بالای بطری

۳- هولوگرام نصب شده روی درب بطری که نشانگر پلمپ بودن قوطی می باشد.

جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، حتماً پس از مصرف قوطی سم را معدوم نمایید.



Bayer CropScience